

چهارشنبه ۴ اسفند ماه ۱۴۰۰ • ۲۱ رجب ۱۴۴۳ • 23 Feb 2022



# نگاهی به رسانه‌ها

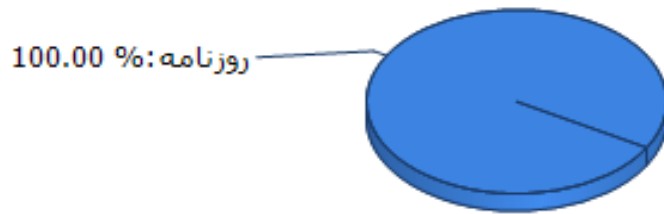
بازتاب اخبار تئاتر در روزنامه‌ها

## تعداد کل محتوا : ۱۸



روزنامه

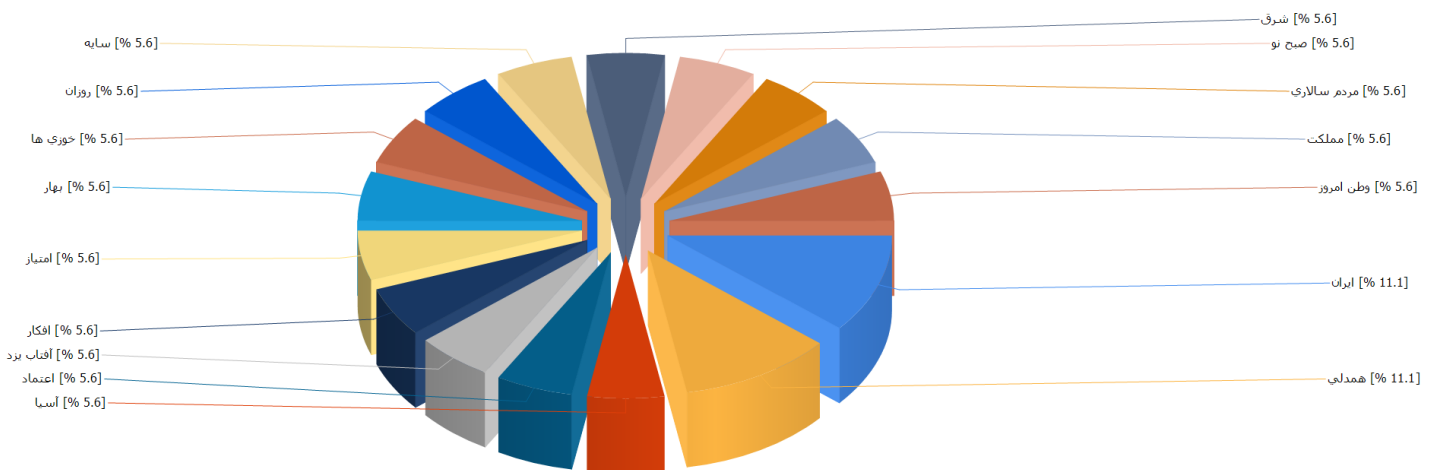
۱۸



گزارش فراوانی و درصد فراوانی مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب

درصد فراوانی	فراوانی	نام منبع	ردیف
۱۱/۱	۲	ایران	۱
۱۱/۱	۲	همدلی	۲
۵/۶	۱	آسیا	۳
۵/۶	۱	اعتماد	۴
۵/۶	۱	آفتاب یزد	۵
۵/۶	۱	افکار	۶
۵/۶	۱	امتیاز	۷
۵/۶	۱	بهار	۸
۵/۶	۱	خوزی ها	۹
۵/۶	۱	روزان	۱۰
۵/۶	۱	سایه	۱۱
۵/۶	۱	شرق	۱۲
۵/۶	۱	صبح نو	۱۳
۵/۶	۱	مردم سالاری	۱۴
۵/۶	۱	مملکت	۱۵
۵/۶	۱	وطن امروز	۱۶
۱۰۰	۱۸	جمع کل	

## نمودار فراوانی و درصد مطالب مرتبط با تئاتر در رسانه های مکتوب





فهرست اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب

صفحه	عنوان	رسانه
۶	اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب	
۷	علاقه مندان بازیگری باید از تئاتر شروع کنند	آسیا
۸	آرش دادگر و تئاتری که صنعت نیست	آفتاب یزد
۹	احتمال دیدن چیزهایی دیگر	اعتماد
۱۰	لذت کار در تئاتر بیشتر از فیلم است	افکار
۱۱	«تَرْقُب» در تالار قشقایی به صحنه می رود	امتیاز
۱۲	لذت تئاتر بیشتر از فیلم است	ایران
۱۳	یک داوری عادلانه در دوره چهلم تئاتر فجر	ایران
۱۴	علاقه مندان بازیگری باید از تئاتر شروع کنند	بهار
۱۵	مدیران بگویند برای نر چکار کردند	خوزی ها
۱۶	جشنواره تئاتر خیابانی عراق ایده اش را از جشنواره مریوان گرفت	روزان
۱۷	کم شدن تئاتر از سبد خیلی از تماشاگران تئاتری	سایه
۱۸	آنچه اقتصاد بر سر تئاتر آورد	شرق
۱۹	مارادونا بودن رنج است	صبح نو
۲۰	تئاتر زمینه ساز همه هنرهای نمایشی است	مردم سالاری
۲۱	لذت کار در تئاتر بیشتر از فیلم است	مملکت
۲۲	تئاتر کودک و نوجوان در ایران مهجور است	همدلی
۲۳	لطفاً چند سوپرستار پردرآمد را کنار بگذارید!	همدلی
۲۴	برای بازی در «زیر تیغ» ناسزا شنیدم	وطن امروز



## ◀ اخبار تئاتر در رسانه های مکتوب



سیاوش طهمورث:

## علاقه‌مندان بازیگری باید از تئاتر شروع کنند

### ماجرای همکاری بازنده یاد علی حاتمی و داریوش مهرجویی

وی با اشاره به همکاری خود با داوود میرباقری گفت: یادم می‌آید فردی آمد و گفت در کار آقای میرباقری بازی می‌کنی و من هم پذیرفتم و دو نقش ساواکی و گورکن را بازی می‌کردم که دو بازی متفاوت بود. بعد از آن در سریال آینه بازی کردم و در «گرگ‌ها» که بازیگر و مشاور کارگردان بودم. طهمورث با بیان اینکه زنده یاد «علی حاتمی» کارگردان بسیار خوب و موفقی بود، افزود: حاتمی در کارنامه کاری خود هزارستان و مادر را دارد که شاهکار بودند. روزی که هزارستان را می‌ساخت در جایی من را دید و گفت همه بازیگران در فیلم من هستند و تو چرا حضور نداری و من به او گفتم اگر قسمت باشد در خدمت هستم که متأسفانه این اتفاق نیفتاد.

وی ادامه داد: در فیلم سینمایی «گاو» مدتی دستیار داریوش مهرجویی بودم فیلم بسیار درخشانی بود و همه بازیگرهای تئاتری در این فیلم حضور داشتند. مهرجویی برای فیلم اجازه نشین‌ها از من دعوت کرد، فیلمنامه را خواندم و قبول کردم زیرا من به داریوش مهرجویی معتقد هستم. او کارگردان بسیار خوبی است که فلسفه سینما، لنز و کتشف و واکنش بازیگر را به خوبی می‌شناسد اینها مواردی است که هر کارگردانی نمی‌داند اما کارگردان‌هایی مثل داریوش مهرجویی و ناصر تقوایی به خوبی می‌شناسند.

طهمورث بیان داشت: خیلی دوست دارم بازیگری که در مقابل من قرار می‌گیرد بازیگر بسیار توانایی باشد زیرا توانا بودن او من را هم توانا می‌کند و موجب می‌شود کار بسیار خوبی را عرضه کنیم.

وی با اشاره به سریال «زیر تیغ» گفت: نقشم در این سریال را باور داشتم البته به خاطر سرسختی‌های نقش شاهد ناسزاهایی هم بودم (با خنده) اما با این حال مردم من را دوست داشتند و در کوچه و خیابان بسیار به من احترام می‌گذاشتند. با تمام این تفاسیر باور کرده بودم که باید با این نقش زندگی کنم و به این دلیل برایم لذت بخش بود که شخصیتی شکل گرفته که در در آدم‌های اطرافت و در جامعه نیز می‌بینی.

طهمورث با بیان اینکه عرصه هنر مشکل‌ترین حرفه است، بیان داشت: ورود به آن آسان است اما برای دوام آوردن، بازیگر و هنرمند شدن باید خیلی خاک خورد و زحمت کشید ▶



در تمرین‌های ما آقایان آوانسیان و رشیدی نیز حضور داشتند. جالب است بگویم که ما تمرین‌هایمان را در همین باغ فردوس که امروز در خدمت شما هستیم، شروع کردیم. وی درباره اهمیت تئاتر، گفت: گاهی شنیده می‌شود که ما به سالن هم می‌گوییم تئاتر در حالیکه سالن جایی است که تئاتر در آن اجرا می‌شود باید توجه داشته باشیم که تئاتر با نمایش فرق دارد و تئاتر روی صحنه شکل می‌گیرد. از برخورد دو فکر، ایده، خرد، دانش و دیدگاه تئاتر ایجاد می‌شود که هم سرگرم کننده، معانی دهنده و هم در گرگون کننده است اما نمایش تنها سرگرم کننده است.

طهمورث درباره علاقه‌مندان به بازیگری بیان داشت: کسانی که می‌خواهند وارد کار تصویری سینما و تلویزیون شوند باید تئاتر کار کرده باشند زیرا تئاتر زمینه ساز همه هنرهای نمایشی است. وقتی تئاتر کار می‌کنید حداقل باید حداقل نیم ساعت بر روی صحنه حضور داشته باشید و در تمام این مدت باید کارکنتر را حفظ کنیم. در تئاتر بازیگر دقیقاً زندگی می‌کند اما جلوی دوربین فیلمبرداری بدین شکل نیست زیرا چندین بار ممکن است یک سکانس تکرار شود. در تئاتر با نفس تماشاگر در ارتباط هستیم و تخیل و فکر تماشاگر را به کار می‌اندازیم اما در سینما بدین شکل نیست و لذت تئاتر بیشتر از فیلم است زیرا با توجه به شخصیتی که ایفا می‌کنید با تماشاگر در ارتباط هستید و واکنش‌های آنها را می‌بینید.

طهمورث درباره علاقه‌مندان به بازیگری گفت: کسانی که می‌خواهند وارد کار تصویری سینما و تلویزیون شوند باید تئاتر کار کرده باشند زیرا تئاتر زمینه ساز همه هنرهای نمایشی است.

به گزارش ایلنا به نقل از روابط عمومی موزه سینما، سیاوش طهمورث با بیان اینکه در تهران محله امیریه به دنیا آمده است گفت: زنده یاد حبیب کاوش دوستم بود و در یک محله زندگی می‌کردیم یادم می‌آید پول‌هایمان را جمع می‌کردیم با هم بلیت ۶ ریالی می‌خریدیم و به سینما می‌رفتیم و دو سه سانس فیلم پشت سرهم می‌دیدیم.

وی ادامه داد: زنده یاد «حبیب کاوش» به آموزشگاه بازیگری می‌رفت و هر چه یاد می‌گرفت به من که دو سال از او کوچکتر بودم نیز یاد می‌داد و ما حتی تعزیه و نوحه خوانی هم می‌کردیم و من یک زمانی مداح بودم. طهمورث خاطر نشان کرد: روزی که می‌خواستیم به اداره تئاتر در آب سردار بروم زمانی بود که زنده یاد عزت‌الله انتظامی، زنده یاد جعفر والی، علی نصریان هم حضور داشتند. یادم می‌آید آقای والی به من گفت همه چیزهایی که تا به امروز یاد گرفتی را کنار بگذار از امروز باید از من یاد بگیری (با خنده) و من به او گفتم چشمم وارد گروه زنده یاد داوود رشیدی بنام گروه تئاتر امروز شد.

وی ادامه داد: در سال ۱۳۴۹ پیتر پروک به ایران آمد و من برای کار با او انتخاب شدم و

## آرش دادگر و تئاتری که صنعت نیست

تئاتری و یا کسانی را که سالها زحمت کشیده‌اند از دست می‌دهیم چون تولید تئاتر بسیار سنگین و هزینه بر شده و همه چیز به پای گیشه افتاده است. دولت هزینه کردن برای بخش فرهنگی را فراموش کرده است درحالیکه باید آستین بالا بزند و بی‌دریغ کمک کند و اینگونه نباشد که بگوید اگر آنچه را که من می‌خواهم انجام دهید به شما کمک می‌کنم.

دادگر درخصوص عملکرد این جشنواره در بخش بین‌الملل بیان کرد: در برخی سالها عملکرد خوب بوده است به طور مثال در سالی که دیتر کومر از آلمان آمد و اجرا داشت و یا گروه تئاتر مارین باد، گروه تئاتر ارین هاووس امبر، کلوبس تامین اجرا داشتند و کارگاه گذاشتند. بعد از سال‌ها که این اتفاق افتاده بود تاثیر بسیار زیادی بر تئاتر ایران داشت. به گزارش برنا، این بازیگر در پایان درباره تاثیر حضور چهره‌های سرشناس در جشنواره گفت: تئاتر صنعت نیست که بخواهد یک برند بیاورد مسئله ما محصول است.

تئاتر درخصوص میزان نقش جشنواره در آینده ی حرفه‌ای شرکت کنندگان اظهار داشت: در حال حاضر نقش بسیار کمی دارد چون تولید تئاتر هزینه بر است. جشنواره باید سفارش‌دهنده و تولیدکننده باشد و به صاحبان سبک که کارهای درخشانی داشته‌اند سفارش تولید تئاتر دهد اگر قرار باشد کارهای تولید شده در طول سال در جشنواره شرکت کنند درواقع جشنواره تبدیل به یک نمایشگاهی می‌شود که کارهای تکراری در آن اجرا می‌شود. این مدرس دانشگاه درباره ی توقعات و پیشنهادات برای جشنواره تئاتر فجر تصریح کرد: این یک بحث طولانی، تخصصی و کارشناسانه است و نمی‌توان تنها یک پیشنهاد داد و به طور مثال گفت، باید به بخش نمایشنامه نویسی اهمیت بیشتری داد، پیشنهاد برای بهتر شدن جشنواره ساعت‌ها زمان و بحث و گفتگو نیاز دارد ضمن اینکه این بحث باید در تبادل و گفتگو قرار بگیرد و تنها نظر یک کارشناس مطرح نیست. باید ببینیم تئاتر ایران در چه شرایطی است؟ ما هر روز گروه‌های

آرش دادگر مدرس، بازیگر و کارگردان تئاتر که آثاری چون «اودیسه ۲۰۲۰»، «هملت»، «شاه لیر» را کارگردانی کرده است درباره ی اعتبار جشنواره فجر گفت: شرایطی که کرونا به وجود آورده است موجب شد تا این جشنواره قدرت سالیان پیشین خود را نداشته باشد.

زمانی که تحریم هستیم به همان نسبت جشنواره بخش بین‌الملل اعتبارش را هم از دست می‌دهد و رنگینگ جشنواره پایین می‌آید. اتفاقات خوبی در حال رخ دادن بود و می‌توانستیم در جشنواره از گروه‌ها و کارگردانان معتبر و صاحب سبک که می‌توانستند بر روی تئاتر ایران تاثیر خوبی بگذارند و نسل جدید را به آینده کاری خود امیدوارتر کنند را دعوت کنیم اما این اتفاق متوقف و حذف شد و امروز درواقع این جشنواره یک جشنواره داخلی است و هیچ برنامه ریزی درستی ندارد، زمانی که از لحاظ مالی ضعیف باشیم به همان نسبت برنامه ریزی‌ها و محدوده خود را کوچکتر می‌کنید. این کارگردان





## نگاهی به نمایش «احتمالات» به کارگردانی علی شمس احتمال دیدن چیزهایی دیگر

مازیار نیسغانی

نمایش احتمالات، کاری از علی شمس، سرشار از زبان آوری و بازی های زبانی، روایت های شگفتا شده، هراس، طنز و پارودی است. نمایشی که از این همه گوناگونی، تضاد و تناقض لذتی شگرف بر جان تماشاگر می نشاند. نمایش احتمالات ریشه در تئوری و تکراری دارد که اول بار در دهه هفتاد با آنها آشنا شدیم، نظریاتی که زبان را منشا شناخت معرفی می کند و در عین حال هر نوع شناخت قطعی و یقینی را منکر می شود. آنچه که هر آنچه هست «متنت» متن است و تداخل ها و تازی های متن ها و دالان های هزار تویی که از این تداخل ها و تازی ها به وجود می آید و قصه را چونان هزار و یکشعب از روایتی به روایت دیگر گسترش می دهد تا زنده نگه دارد دشتی دیگر شهرزاد قصه گور و البته که در این نظریات شک مباح حرکت است: شک به روایت های رسمی که چونان کلان روایت ها معنای چیزها را تعیین می بخشند و مدعی هستند که همین است و لاغیر. نمایش علی شمس از پس سال ها تجربه روزی و غور کردن در این مفاهیم و زیستن با این نظریات به احتمالات رسیده است.

زبان یکی از عناصر بسیار مهم نمایش علی شمس است. بیراهه نرفته ایم اگر بگویم زبان آوری که در نمایش احتمالات به رخ کشیده می شود از پس تجربیاتی است که در ادبیات و به خصوص شعر این دوره شکل گرفته است. پیش از این رضا برهنی با پیش کشیدن نظریه «بایت» در شعر، نگاه دیگر گونه ای به زبان را بی افکند. برهنی تاکید و بیژهای بر اندام زبان دارد. بنا بر این، آنچه که مساله نوشتار می شود، خود نوشتار و زبان است. زبانی که با از جاع به خود روی کاغذ می ایستد و اندام خود را به نمایش می گذارد.

اندام زبان دارد. بنا بر این، آنچه که مساله نوشتار می شود، خود نوشتار و زبان است. زبانی که با از جاع به خود روی کاغذ می ایستد و اندام خود را به نمایش می گذارد. در نمایش احتمالات زبان شگفتا شده می شود، ریتم می گیرد، جملات و کلمات پاره پاره می شوند و دوباره در هم ادغام می شوند، مصدر های جعلی ساخته می شوند و فعل ها دوباره و صرف می شوند، کلمات معنایی گیرند و بی معنایی می شوند. بی خود نیست که راوی نمایش احتمالات لغت نامه ای است که از دیرباز تا اکنون را، در زمانی در هم پیچیده، برای ما روایت می کند. زبان در نمایش علی شمس شدت می گیرد، نام گذاری می کند و از نام گذاری می بریزد. قواعد جدیدی

زبان یکی از عناصر بسیار مهم نمایش علی شمس است. بیراهه نرفته ایم اگر بگویم زبان آوری که در نمایش احتمالات به رخ کشیده می شود از پس تجربیاتی است که در ادبیات و به خصوص شعر این دو دهه شکل گرفته است. پیش از این رضا برهنی با پیش کشیدن نظریه «بایت» در شعر، نگاه دیگر گونه ای به زبان را بی افکند. برهنی تاکید و بیژهای بر اندام زبان دارد. بنا بر این، آنچه که مساله نوشتار می شود، خود نوشتار و زبان است. زبانی که با از جاع به خود روی کاغذ می ایستد و اندام خود را به نمایش می گذارد.

رایتبان می نهد و این احتمال را می دهد که این قواعد را نمی کند. یکی از صحنه هایی که کارگردان در این نمایش را به خوبی آشکار می کند صحنه ای است که لغت نامه بر آن است تا واژه «هشتب» معنی کند: در این فرآیند معنی کردن هر لغت موجب لغتی دیگری می شود و معنای هر لغت مارا به معنای و کلمات دیگری را جاع می دهد. فرآیند زبانی در این صحنه یاد آور دیدگاه «اکردینا پیرامون زنجیره دال هاست، آنچه که هر دال به مدلولی اشاره می کند و مدلول خود تبدیل به دالی می شود که به مدلولی دیگر اشاره دارد و این زنجیره می تواند به همین طریق بسط یابد.

روایت اعظمی وجود ندارد، هر آنچه که هست روایتی است شرح هر چه و شگفتا شده از زبان لغت نامه ای که در کتابخانه ملی همه امور را به دست دارد. همان طور که پیش تر گفتیم روایت هزار و یکشبی نمایش احتمالات داستان های مختلف و روایات گوناگونی را در هم ادغام می کند. از مردی که زبان به خورش می آموزد تا داستان کنیزک و کدوی مولانا تا واقعه تاریخی جدال و اسارت لطفعلی خان زند با قاجار. محمد خان قاجار تا سرگذشت عطار و استنادش و شرح کشته شدن شان به دست مغول و کتاب سوزی های این قوم مهاجم. از روایت تاروش و شکنجه شدن مادرش تا بازآفرینی «مرگ یزدگرد» بهرام بیضایی تا شکنجه مستشار الدوله به جرم نوشتن «یک کلمه» که البته اجرای این قسمت از نمایش گوشه جسمی به تعزیه نیز دارد و همچنین روایت عشق کتابدار کتابخانه به دختری که به قصد کتابخوانی به آن محل آمد و شد دارد. این همه و همه اینها تمام این روایات دور از هم و البته نزدیک، تمام

این زمان های ناهم زمان ناگهان در متن نمایش علی شمس همزمان می شوند و روایت احتمالات از روایات ناپهنگام کنار هم قرار گرفتن این ناپهنگامی هاست که جان می گیرد و به جلو حرکت می کند. با این وجود باید این یک نکته را نیز یادآوری کرد که تقریباً خط و ربط تمام این روایات مختلف موضوع واحدی است و آن پیرامون کتاب و کتابت کردن و زبان است. شخصیت ها انگار درگیر نوشتن یا نوشته شدن هستند، همه آنها گویی کلماتی هستند که اکنون و حالا پیش چشم ما تجسم می یابند. همچنین باید به این نکته نیز اشاره شود که در روند نمایش مخاطب روایتی می بیند که در آنها دست برده شده و تغییر کرده اند یا به شکلی به هجو کشیده شده اند. از همین رو تماشاگر حین نمایش نمایش احتمالات عادت می کند احتمالات دیگری از آنچه که خواننده یا شنونده ببیند.

تئاتر احتمالات سرشار از طنز و پارودی است. گاهی داستانی قلب و دگرگون می شود مانند حکایت آقامحمدخان که گویی مسردی است صلح طلب و جنگ گریز که راغب به کشتن لطفعلی خان نیست و این لطفعلی خان است که تمایل به مرگ سخت خویش دارد. یاد قسمتی دیگر باز یگران تکمیل از نمایش مرگ یزدگرد بیضایی را بازی می کنند، اما این بار خبری از آن نمایش جدی و آن زبان فخیم بیضایی وار نیست، بلکه ما با پارودی و هجو آن نمایشنامه روبرو هستیم. بدین ترتیب بیراهه نیست اگر بگویم که علی شمس هر آنچه را که سخت و استوار است با طنز و مطایبه دود می کند و به هوا می فرستد. این طنز با از طریق مکانیسم ها و بازی های زبانی در درون خود زبان شکل می گیرد یا از طریق هجو کردن موقعیت و همچنین شعر خوانی و آوازی که البته شکل پارودی دارد. در بعضی مواقع نیز این طنز از طریق موقعیت نمایشی ایجاد می شود تا هر چیز جدی را از بین ببرد.

با این وجود نمایش احتمالات از صحنه های خشن و شکنجه و کشتار خالی نیست. همان طور که گفته شده یکی از موضوعات دایمی این نمایش مساله کتاب و کتابت است، پس بیراهه نیست که اگر در این نمایش شرحی مفصل از بلاهایی که بر سر نویسندگان جماعت در این مملکت آمده است، ببینیم یا بلاهای شکنجه هایی که گذشته دور تا دوران معاصر، به نحای مختلف و به جرم و اسم های متفاوت، یکی از هراس انگیزترین صحنه های نمایش شرح شکنجه مستشار الدوله است، مردی که به جرم نوشتن کتاب مترقی «یک کلمه» انقدر کتاب بر سرش کوفتند تا کور شد و در زندان، در بلا و رنج در گذشت. در جای جای نمایش احتمالات، گاهی کوه و گاه مفصل، اشاره به رنجی می رود که اهل قلم در این مملکت کشیدند و داستان نویسندگانی که همواره جان شان در خطر بوده است و چه بسا که بر سر کار خویش جان نازنین شان را تسلیم مرگ کرده اند. با این همه و شاید برخلاف میل نویسندگان حلقه جاری در نمایش احتمالات زهر این کشتار و جنایات را می گیرد و آنها را در حد یک یادآوری همراه با نوعی دلسوزی تقلیل می دهد. علی شمس با روایت و زبان خوش بازی می کند و آزاد و خلاق آنها را به مرزهای ناممکن خویش می کشاند تا مرزها را گسترش دهد. تخیل او رو به هر رخدادی گشوده است. در نهایت، نمایش احتمالات سرک کشیدنی است به آن سوی متن ها، همکاری متن ها و همکاری با متن ها برای خلق متنی شگرف.



سیاوش طهمورث مطرح کرد؛

## لذت کار در تئاتر بیشتر از فیلم است

و تخیل و فکر تماشاگر را به کار می‌اندازیم اما در سینما بدین شکل نیست و لذت تئاتر بیشتر از فیلم است زیرا با توجه به شخصیتی که ایفا می‌کنید با تماشاگر در ارتباط هستید و واکنش‌های آنها را می‌بینید.

وی با اشاره به همکاری خود با داوود میرباقری گفت: یادم می‌آید فردی آمد و گفت در کار آقای میرباقری بازی می‌کنی و من هم پذیرفتم و دو نقش ساواکی و گورکن را بازی می‌کردم که دو بازی متفاوت بود. بعد از آن در سریال «آینه» بازی کردم و در «گرگ‌ها» که بازیگر و مشاور کارگردان بودم.

طهمورث با بیان اینکه زنده یاد «علی حاتمی» کارگردان بسیار خوب و موفقی بود، افزود: حاتمی در کارنامه کاری خود «هزاردستان» و «سادر» را دارد که شاهکار بودند. روزی که «هزاردستان» را می‌ساخت درجایی من را دید و گفت همه بازیگران در فیلم من هستند و تو چرا حضور نداری و من به او گفتم اگر قسمت باشد در خدمت هستم که متأسفانه این اتفاق نیفتاد.

وی ادامه داد: در فیلم سینمایی «گاو» مدتی دستیار داریوش مهرجویی بودم فیلم بسیار درخشانی بود و همه بازیگرهای تئاتر در این فیلم حضور داشتند. مهرجویی برای فیلم «چاره نشین‌ها» از من دعوت کرد، فیلمنامه را خواندم و قبول کردم زیرا من به داریوش مهرجویی معتقد هستم. او کارگردان بسیار خوبی است که فلسفه سینما، لنتز و کنش و واکنش بازیگر را به خوبی می‌شناسد اینها مواردی است که هر کارگردانی نمی‌داند اما کارگردان‌هایی مثل داریوش مهرجویی و ناصر تقوایی به خوبی می‌شناسند. طهمورث بیان کرد: خیلی دوست دارم بازیگری که در مقابل من قرار می‌گیرد بازیگر بسیار توانایی باشد زیرا توانا بودن او من را هم توانا می‌کند و موجب می‌شود کار بسیار خوبی را عرضه کنیم. طهمورث با بیان اینکه عرصه هنر مشکل‌ترین حرفه است، تأکید کرد: ورود به آن آسان است اما برای دوام آوردن، بازیگر و هنرمند شدن باید خیلی خاک خورد و زحمت کشید. گفتنی است، موزه سینمای ایران به عنوان مجموعه‌ای فرهنگی و تاریخی که روایتگر سیر تاریخ و تحولات سینمای ایران است خود را موظف می‌داند سوابق و تجربیات پیشکسوتان سینمای ایران را جمع‌آوری کرده تا نسل‌های آینده با نگاه و مسیر زندگی و نحوه خلق و شکل‌گیری آثار هنرمندان و صاحب‌نظران هنر سینما آشنا شوند.

در حالی که سالن‌هایی است که تئاتر در آن اجرا می‌شود باید توجه داشته باشیم که تئاتر با نمایش فرق دارد و تئاتر روی صحنه شکل می‌گیرد. از برخورد دو فکر، ایده، خرد، دانش و دیدگاه تئاتر ایجاد می‌شود که هم سرگرم‌کننده، معانی دهنده و هم دگرگون‌کننده است. اما نمایش تنها سرگرم‌کننده است.

طهمورث درباره علاقمندان به بازیگری بیان کرد: کسانی که می‌خواهند وارد کار تصویرگری سینما و تلویزیون شوند باید تئاتر کار کرده باشند زیرا تئاتر زمینه ساز همه هنرهای نمایشی است. وقتی تئاتر کار می‌کنید حداقل باید نیم ساعت روی صحنه حضور داشته باشید و در تمام این مدت باید کارکنر را حفظ کنیم. در تئاتر بازیگر دقیقاً زندگی می‌کند اما جلوی دوربین فیلمبرداری بدین شکل نیست زیرا چندین بار ممکن است یک سکانس تکرار شود. در تئاتر با نفس تماشاگر در ارتباط هستیم.

من یک زمانی مداح بودم. طهمورث خاطرنشان کرد: روزی که می‌خواستیم به اداره تئاتر در آب سردار بروم زمانی بود که زنده یاد عزت‌الله انتظامی، زنده یاد جعفر والی، علی نصریان هم حضور داشتند. یادم می‌آید آقای والی به من گفت همه چیزهایی که تا به امروز یاد گرفتی را کنار بگذار از امروز باید از من یاد بگیری (با خنده) و من به او گفتم چشم و وارد گروه زنده یاد داوود رشیدی بنام گروه تئاتر امروز شدم. وی ادامه داد: در سال ۱۳۴۹ پیتریروک به ایران آمد و من برای کار با او انتخاب شدم و در تمرین‌های ما آقایان آوانسیان و رشیدی نیز حضور داشتند. جالب است بگویم که ما تمرین‌هایمان را در همین باغ فردوس که امروز در خدمت شما هستیم، شروع کردیم.

وی درباره اهمیت تئاتر، گفت: گاهی شنیده می‌شود که ما به سالن هم می‌گوییم تئاتر

به نقل از روابط عمومی موزه سینما، موزه سینمای ایران در ادامه انتشار سلسله نشست‌های تاریخ شفاهی خود به مناسبت زادروز «سیاوش طهمورث» بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون بخش‌هایی از گفتگوی تاریخ شفاهی این هنرمند را منتشر کرده است که در زیر می‌خوانید.

سیاوش طهمورث با بیان اینکه در تهران محله امیریه به دنیا آمده است گفت: زنده یاد حبیب کاوش دوستم بود و در یک محله زندگی می‌کردیم یادم می‌آید پول‌هایمان را جمع می‌کردیم با هم بلیت ۶ ریالی می‌خریدیم و به سینما می‌رفتیم و دو سه سانس فیلم پشت سرهم می‌دیدیم.

وی ادامه داد: زنده یاد «حبیب کاوش» به آموزشگاه بازیگری می‌رفت و هرچه یاد می‌گرفت به من که دو سال از او کوچک‌تر بودم نیز یاد می‌داد و ما حتی تعزیه و نوحه خوانی هم می‌کردیم و

## «تَرْقُب» در تالار قشقایی به

### صحنه می‌رود

نمایش «تَرْقُب» به طراحی و کارگردانی مسعود شامی و میلاد خرم از روز پنجشنبه پنجم اسفند ماه سال جاری در تالار قشقایی مجموعه تئاتر شهر اجرای خود را آغاز می‌کند.

«تَرْقُب» عنوان تازه‌ترین اثر نمایشی تالار قشقایی تئاتر شهر است که از روز پنجشنبه پنجم اسفندماه سال ۱۴۰۰ به نویسندگی مسعود شامی و کارگردانی مشترک مسعود شامی و میلاد خرم، میزبان مخاطبان تئاتر خواهد بود.

در این اثر نمایشی مهناز میرزایی، سایه کبیری و مانده جلالی به عنوان بازیگر حضور دارند. این در حالی است که فاطمه بهشتی، سپیده پشتیبان و رضا مهرداد گروه کارگردانی، میلاد خرم و مسعود شامی طراحان لباس، مطهره جلالی طراحی اسکیس، رضا خضرای طراح نور، علی خاتمی آهنگساز، میترا رضایی مشاور رسانه‌ای، سمیه میری عکاس، کیوان احمدی طراح مواد تصویری و استودیو میم گروه طراح پوستر و بروشور دیگر عوامل نمایش را تشکیل می‌دهند. در خلاصه داستان این نمایش آمده است: «روایتی از سه دوره حیات آدمی، در هیبت زنانگی بر زمین ... هر جهان را بنگر که چگونه یک اتم است ... در بی‌نهایت هستی که به کار و کار و کار در دمی، آ-دم دمید و [داد] داد آدمی، که بدان. پس تو چِ می‌دانی؟!» تئاتر «تَرْقُب» از روز پنجشنبه پنجم تا روز چهارشنبه بیست و پنجم اسفند ماه ساعت ۱۹:۳۰ با مدت زمان ۵۰ دقیقه و قیمت بلیت ۵۰ هزار تومان در تالار قشقایی مجموعه تئاتر شهر به صحنه خواهد رفت



## لذت تئاتر بیشتر از فیلم است

**سیاوش طهمورث:** یادام می‌آید زنده‌یاد «حبیب کاوش» به آموزشگاه بازیگری می‌رفت و هرچه یاد می‌گرفت را به من هم یاد می‌داد و ما حتی تعزیه و نوحه‌خوانی هم می‌کردیم و من یک زمانی مداح بودم. کسانی که می‌خواهند وارد کار تصویری سینما و تلویزیون شوند باید تئاتر کار کرده باشند زیرا تئاتر زمینه‌ساز همه هنرهای نمایشی است. وقتی تئاتر کار می‌کنید حداقل باید نیم ساعت روی صحنه حضور داشته باشید و در تمام این مدت باید کاراکتر را حفظ کنیم و به همین دلیل است که می‌توانم بگویم بازیگر دقیقاً زندگی می‌کند اما جلوی دوربین فیلمبرداری اینطوری نیست. از نظر من لذت تئاتر بیشتر از فیلم است زیرا با توجه به شخصیتی که ایفا می‌کنید با تماشاگر در ارتباط هستید و واکنش‌های آنها را می‌بینید

بخشی از صحبت‌های این بازیگر در سلسله نشست‌های تاریخ شفاهی موزه سینمای ایران



## یک داوری عادلانه در دوره چهل‌م تئاتر فجر

نمایش‌های موزیکال و رمانتیک تبدیل می‌شود. یک اثر عاشقانه که به زیبایی تمام در یک چهارچوب حرفه‌ای، خوش ساخت و نمایشی در تغییر و تحول شخصیت‌های اصلی‌اش ما را دچار دگرگونی و درک متقابل از داستان روی صحنه می‌کند.

علی شمس هم در این سال‌ها پیشرفت بسیاری کرده و الان دیگر یکی از کارگردان‌هایی است که در زمینه کارگردانی نیز برای خود به شاخص‌های قابل درک و تأملی رسیده است. او در نمایش احتمالات بیشتر از متن، در زمینه کارگردانی و بویژه هدایت بازیگران و برخورداری از میزانشن‌های خلاقه ما را دچار شگفتی می‌سازد و البته در متن به لحاظ ساختاری دیگر دچار تکرار شده و نمی‌تواند نو بودن خود را بر ما گوشزد کند چون پیش از این هم در متن‌های قبلی‌اش در این خصوص نمونه‌های بهتری را ارائه کرده اما در کارگردانی احتمالات هم نوتر است و هم توانمندتر...

اما مجتبی رستمی کارگردان اهوازی باید دو سال پیش هم برگزیده کارگردانی می‌شد اما شوربخانه جایزه نصیب محمد مساوات شد. با آنکه مساوات دیگر یک کارگردان ممتاز به شمار می‌آید اما نسبت به خلاقیت مجتبی رستمی فر که همه چیز را براساس ایده‌های اجرایی‌اش درباره مکبث به کار گرفته بود، نمی‌توانست حتی در یک جایگاه برابر هم باشد چون بیگانه در خانه برگرفته از ایده اجرایی و طراحی یک خانم کارگردان ایرلندی است که در برلین نمایشی را بر همین سیاق پیش از کارگردان ایرانی کار کرده بود. امسال هم رستمی فر توانسته نمایش جولوس سزار و ویلیام شکسپیر را با سیمرخ عطار تلفیق کرده و این تقابل دو ایده سیاست (غرب) و عرفان (شرق) می‌تواند یکی از بلندپروازانه‌ترین تقابل‌ها و تضادها برای ایجاد فضایی دراماتیک باشد که این کارگردان جوان با بهره‌مندی از تمام عناصر دیداری و شنیداری در تلفیق با موسیقی و حرکات موزون از پس آن به درستی برآمده است. حجم کار بسیار سنگین است و در آن نوآوری و نیروی خلاقه تراوش شده از ذهن یک هنرمند مستقل ایرانی است و در هماهنگی با تمامی عناصر به درستی یک اجرای شهودی و فرامردن را در مقابل دیدگانمان به تماشا درمی‌آورد.

نتیجه آنکه مجتبی رستمی فر امسال هم یک چهره برگزیده و نو در میان کارگردان‌های فعال در تئاتر ایران زمین است که بحق در جایگاه کارگردان برگزیده قرار گرفته است.

داوری دوره چهل‌م جشنواره تئاتر فجر، یکی از بهترین داوری‌ها در تمام این سال‌هاست با آنکه هیچ‌گاه به‌طور کامل هیچ داوری‌ای برای همگان اقناع‌کننده نیست، اما امسال آنقدر این قضیه درست و نسبتاً عادلانه اتفاق می‌افتد که از یک داوری برای تئاتر یک کشور انتظار می‌رود. اینکه امسال و پارسال فقط یک گروه از نمایش‌ها برگزیده داوری می‌شدند، داوری را به نسبت متمرکزتر می‌کرد. سال‌های قبل ایران الف و ب و بین‌الملل سه بخش مجزایی بودند که دقیقاً هم معلوم نبود مبنای گزینش آثار برای هر یک از این گروه‌ها چه باشد.

به هر روی در میان داوری‌ها، حساس‌ترین داوری در انتخاب بهترین کارگردان حاضر در جشنواره چهل‌م بود که هم نام‌ها حساس شده بودند و هم نام‌ها به درستی انتخاب شده بود و هم باید بهترین حالت ممکن برای برگزیده‌های نهایی در نظر گرفته می‌شد. محمد نیازی برای کارگردانی نمایش سوئینی تاد از مشهد، رضا بهرامی برای کارگردانی نمایش سگک از تهران، گلاب آدینه برای کارگردانی نمایش بانوی محبوب من از تهران از جمله نامزدهای دریافت جایزه بودند که در نهایت علی شمس برای کارگردانی نمایش «احتمالات» از تهران (تقدیر) و مجتبی رستمی فر برای کارگردانی نمایش «مرثیه‌ای بر قتل ژولیوس سزار» از اهواز (برگزیده) شدند.

این نوع گزینش می‌توانست بهترین حالت ممکن باشد. می‌دانیم که گلاب آدینه در تمام این سال‌ها بارها مورد توجه قرار گرفته و الان هم یک نمایش درجه یک تولید کرده با گروهی از بازیگران شناخته شده و در عین حال آماده و تمرین‌های خودش که از تازه‌کارها و جوان‌ها هم توانسته در حد مطلوبی کاری که باید را روی صحنه بیاورد و نمایش او به لحاظ ژانر و سبک یکی از بهترین نمونه‌هایی است که می‌تواند تئاتر ایران را به چالش بکشد که چرا بر پایه این سبک‌ها شناخته شده در دنیا نخواهیم یا نتوانیم کارهایمان را روی صحنه بیاوریم؟! و در واقع مخاطب را با اثری درخور دیدن و تأمل همراه کنیم. کاری بسیار سخت که در آن میزانشن‌ها در تلفیق با حرکات موزون و بهره‌مندی از موسیقی در القای فضا به یکی از ناب‌ترین اجراهای تأثیرگذار در گونه

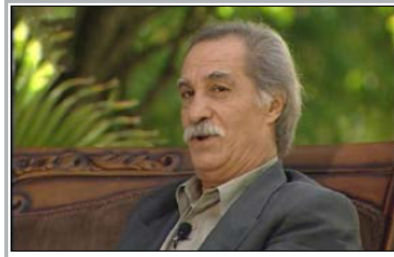
پنجره‌های  
روبه دیوار



رضا آشفته  
منتقد

یک بازیگر:

## علاقه‌مندان بازیگری باید از تئاتر شروع کنند



او گفتم چشم و وارد گروه زنده یاد داوود رشیدی بنام گروه تئاتر امروز شدم.

وی ادامه داد: در سال ۱۳۴۹ پیتر بروک به ایران آمد و من برای کار با او انتخاب شدم و در تمرین‌های مآقایان آوانسیان ورشیدی نیز حضور داشتم. جالب است بگویم که ما تمرین‌هایمان را در همین باغ فردوس شروع کردیم.

وی درباره اهمیت تئاتر، گفت: گاهی شنیده می‌شود که ما به سالن هم می‌گوییم تئاتر در حالیکه سالن جایی است که تئاتر در آن اجرا می‌شود باید توجه داشته باشیم که تئاتر با نمایش فرق دارد و تئاتر روی صحنه شکل می‌گیرد. از برخورد دو فکر، ایده، خرد، دانش و دیدگاه تئاتر ایجاد می‌شود که هم

سیاوش طهمورث درباره علاقه‌مندان به بازیگری گفت: کسانی که می‌خواهند وارد کار تصویری سینما و تلویزیون شوند باید تئاتر کار کرده باشند زیرا تئاتر زمینه‌ساز همه هنرهای نمایشی است.

سیاوش طهمورث با بیان اینکه در تهران محله امیریه به دنیا آمده است گفت: زنده یاد حبیب کاوش دوستم بود و در یک محله زندگی می‌کردیم یادم می‌آید پول‌هایمان را جمع می‌کردیم با هم بلیت ۶ ریالی می‌خریدیم و به سینمای رفتیم و دو سه سانس فیلم پشت سر هم می‌دیدیم.

وی ادامه داد: زنده یاد «حبیب کاوش» به آموزشگاه بازیگری می‌رفت و هر چه یاد می‌گرفت به من که دو سال از او کوچکتر بودم نیز یاد می‌داد و ما حتی تعزیه و نوحه خوانی هم می‌کردیم و من یک زمانی مداح بودم.

طهمورث خاطر نشان کرد: روزی که می‌خواستیم به اداره تئاتر در آب سردار بروم زمانی بود که زنده یاد عزت‌الله انتظامی، زنده یاد جعفر والی، علی نصریان هم حضور داشتند. یادم می‌آید آقای والی به من گفت همه چیزهایی که تا به امروز یاد گرفتی را کنار بگذار از امروز باید از من یاد بگیری (با خنده) و من به

سرگرم کننده، معانی دهنده و هم‌درگرگون کننده است. اما نمایش تنها سرگرم کننده است.

طهمورث درباره علاقه‌مندان به بازیگری بیان داشت: کسانی که می‌خواهند وارد کار تصویری سینما و تلویزیون شوند باید تئاتر کار کرده باشند زیرا تئاتر زمینه‌ساز همه هنرهای نمایشی است. وقتی تئاتر کار می‌کنید حداقل باید حداقل نیم ساعت بر روی صحنه حضور داشته باشید و در تمام این مدت باید کار کتر را حفظ کنیم. در تئاتر بازیگر دقیقاً زندگی می‌کند اما جلوی دوربین فیلمبرداری بدین شکل نیست زیرا چندین بار ممکن است یک سکانس تکرار شود. در تئاتر بانفس تماشاگر در ارتباط هستیم و تخیل و فکر تماشاگر را به کار می‌اندازیم اما در سینما بدین شکل نیست و لذت تئاتر بیشتر از فیلم است زیرا با توجه به شخصیتی که ایفا می‌کنید با تماشاگر در ارتباط هستید و واکنش‌های آنهارا می‌بینید.

طهمورث با بیان اینکه عرصه هنر مشکل‌ترین حرفه است، بیان داشت: ورود به آن آسان است اما برای دوام آوردن، بازیگر و هنرمند شدن باید خیلی خاک خورد و دوز حمت کشید.





تاریخ انتشار: چهارشنبه ۴ اسفند ماه ۱۴۰۰ \* ۱۲:۲۳

## گفت‌وگوی اختصاصی خوزی‌ها با مجتبی رستمی فر برنده ۵ جایزه جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر: مدیران بگویند برای هنر چکار کردند



مجتبی رستمی فر

متولیان فرهنگی و اجتماعی و هنری استان خوزستان اگر تعصب خوزستان را داشته باشند این مصاحبه را می‌خوانند تا حداقل متوجه بخشی از وظایف خود باشند. این مصاحبه صلاهی اعتراضی یک هنرمند برجسته تئاتر خوزستان است. هنرمندی که پنج جایزه جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر را برای نمایش «مرثیه‌ای بر قتل ژولیوس سزار» سهم خود کرد. از کارگردانی به نام «مجتبی رستمی فر» می‌گوید. در آئین اختتامیه چهلمین جشنواره تئاتر که با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و جمعی از مدیران تئاتری برگزار شد برگزیدگان بخش‌های مختلف معرفی شدند که «مرثیه‌ای بر قتل ژولیوس سزار» به کارگردانی مجتبی رستمی فر تندیس بهترین کارگردانی، تندیس بهترین طراحی صحنه، تندیس بهترین طراحی حرکت، نیما نخلستانی هم تندیس بهترین نورپردازی و سارا حسین‌پور تقدیر طراحی لباس را از آن خود کرد. همچنین شش‌سده خدادادی برای بازی در این نمایش کاندید بهترین بازیگری زن شد. مجتبی رستمی فر متولد هفتم امرداد ۱۳۶۵ اهواز سابقه پیش از دو دهه کارگردانی، نویسندگی و طراحی صحنه تئاتر را در کارنامه دارد.

از جمله آثار ایشان می‌توان به تئاترهای همچون تاکسی درمی، نمایشی برای جشنواره، همه فرزندان مکب، مرثیه‌ای بر قتل ژولیوس سزار و چند مرغ و سمرغ، خطا خرا، پرواز پرنده‌گان مهاجر در روز آخر، آنتیپاتر، مرثیه‌ای برای یک مرد مرده، هملت، جغرافیای قفسه‌ای به رنگ آتش به ملم دود، روسای بدون نیاز به پرورده اشاره کرد که هر کدام از آن‌ها در تعداد قابل توجهی از جشنواره‌های استانی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی شرکت کرده و موفقیت‌هایی را نصیب خود کرده است.

**وجه تمایز شما به عنوان یک کارگردان که آثار نمایشی‌تان مورد توجه قرار می‌گیرد نسبت به دیگر کارگردانان توجیه به چه شاخصه‌هایی است؟**

درست است که ذات اصلی نمایش سرگرم کردن مخاطب است. اما بی‌دلیل نباید مخاطبان خود را سرگرم کنم. من به عنوان یک کارگردان تئاتر رسالتی دارم که باید روشنگری بکنم. من باید کاری بکنم که وقتی مخاطبان عام به سالن می‌آیند تا تئاتر ببینند دست پر از سالن بیرون بروند. با دیدن تئاتر خوب باید بتوانم میزان مطالعه مردم را بالاتر ببرم. بارها متوجه شدم که بعد از اجرای برخی نمایشنامه‌های بزرگ ادبی همچون ژولیوس سزار، مکب و هملت، برخی از مخاطبان اقدام به تهیه اصل نمایشنامه کردند تا آن را مطالعه کنند. ما باید از طریق هنر سطح فرهنگی و سواد جامعه را بالا ببریم. ما نسبت به مردم جامعه خودمان مسئول هستیم. وقتی می‌بینم که به لحاظ فرهنگی، سطح جامعه پیرامونی‌ام پایین است این جاست که هنرمندان باید به این روشمندی کمک کنند. اما هنرمند برای خلق اثر و تاثیرگذاری نیازمند حمایت است. من به شخصه در هنر تئاتر به دنبال شاخصه‌هایی هستم که برای نوع و فرم نمایش خود مخاطب را تا آثار فاخر آشنا کنم. من معتقدم که اهواز ظرفیت اجرای نمایش فاخر را دارد. در اجرای نمایش آخر خود در تالار آفتاب بدون این که تبلیغاتی خاصی کرده باشم با سالنی پر از تماشاگر مواجه بودم. اما هر نمایشی باید توان معرفی خود را داشته باشد. اما وقتی من به عنوان یک کارگردان باید کلیه هزینه‌های تولید را از جیب خود تامین کنم باید هم متوجه هزینه‌های سفر تا صد جایی کار باشم، چگونه می‌توانم از خود انتظار داشته باشم که فرهنگ‌سازی کنم و یا مردم را به دیدن

تئاتر در برنامه هفتگی یا ماهیانه ترغیب کنم. برای نمایش «مرثیه‌ای بر قتل ژولیوس سزار» هزینه‌های معادل ۳۰ میلیون تومان پرداخت کردم. برای این نمایش ۴۰ نفر بازیگر و عوامل داشتم که بدون هیچ چشم‌پوشی، درآمد مالی و فقط به خاطر علاقه‌شان آمدند وقت گذاشتند و کار کردند. ضمن این که در این نمایش نورپردازی، لباس و گریم سنگینی هم داشتم که خودم باید هزینه‌های آن را تامین کنم. منظور انتظار دارم که تماشاگران ما به سمت فرهنگی شدن و دیدن تئاتر که تماشاگرانی یکی از واجبات است بروند. لذا من به عنوان هنرمند مسئولی مربوطه که وظیفه دارند و مردمی که باید شوق داشته باشند همگی مسئولیت‌هایی متوجه‌مان است که باید به آن واقف باشیم. ضمناً مردم و مسئولین باید متوجه باشند که تئاتر با لودگی، میان پرده‌ها، شو، جنگ و جشنی‌ها فرق می‌کند. با اجرای سطح پایینی به اسم تئاتر مواجه هستیم که کلیه عوامل آن اجرا، لباس و لجه‌های هنر دیگر را به خنده می‌گیرند. در حالی که برای من هنرمند، لجه‌ها و گویش‌ها و لباس اقوام قابل احترام هستند. به خنده کشیدن بخشی از عناصر فرهنگی اسمش تئاتر نیست. لذا من رسالتی را متوجه خود می‌دانم که تئاتر واقعی را به مردم اهواز معرفی کنم.

**نظر شما اولویت متولیان فرهنگ و هنر استان خوزستان توجیه به ارزش‌های تئاتری به خصوص از نوع فارش است؟**

تئاتر یکی از واجب‌ترین هنرهای است که متولیان فرهنگی باید به آن بپردازند. اما در استان ما به این هنر خیلی واجب‌بهای کافی داده نمی‌شود. با احترام به همه هنرهای که در اهواز و خوزستان وجود دارد متوجه باید توجه داشته باشیم که تئاتر هنر مادر است که با سایر هنرها تلافی دارد. در تئاتر، موسیقی، نویسندگی، عکس، هنرهای تزئینی، گرافیک و... وجود دارد. تئاتر یک هنر گروهی است و انفرادی انجام نمی‌شود. اگر دو ساعت با کنفرانس، همایش و سخنرانی برگزار کنیم اما باید متوجه باشیم که همه این‌ها تأثیر کم دقیقه هنرهای نمایشی را بر جامعه نمی‌گذارد. مردم دریافته که از آثار هنری به دست می‌آورند به مراتب با جان و دل تر از کنفرانس‌های مختلف است. شما بررسی کنید و ببینید که سواد فرهنگی سطح جامعه را این سخنرانی‌ها و همایش‌ها بالاتر می‌برد یا هنرهای نمایشی. قطعاً هنرهای نمایشی پذیرش بیشتری در بین جامعه دارند. چرا نباید تئاتر برای رشد و تعالی فرهنگ شهروندی خودمان استفاده بکنیم. فقط به جایی می‌رسیم که من می‌گویم دیگر نمی‌توانم داخل این شهر تئاتر کار بکنم. در حالی که برای حمایت از تئاتر در ترمیندترین استان کشور نهادهایی همچون استانداری، فرمانداری، شهرداری در کنار دیگر متولیان امر مسئول هستند. این متولیان کی و کجا قرار است از هنر حمایت کرده و به رشد کیفی آن کمک کنند. ما که درباره علوم غریبه صحبت نمی‌کنیم. داریم از فرهنگ و هنر سخن می‌گوییم که در جوامع توسعه‌یافته ارزش و جایگاه آن مشخص است.

**در نهایت برای اعزام گروه نمایش «مرثیه‌ای بر قتل ژولیوس سزار» برای شرکت در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر مورد حمایت قرار گرفتید یا همچنان اصرار به انصراف از شرکت در جشنواره داشتید؟**

۲۴ ساعت مانده به اعزام به تهران نامه انصراف نمایش از شرکت در بخش اصلی جشنواره را نوشتم. شبی که بعد از اجرا در اهواز از نبود متولی تئاتر گلایه کردم بسیاری از مردم تماس گرفتند و شماره حساب خواستند تا به صورت شخصی پول

پرداخت کنند. بهای بلیت برای نمایش ۳۰ هزار تومان بود که بسیاری می‌گفتند که این مبلغ نیز برای نمایش خیلی کم است. منتها چون می‌دانستم مردم قدرت خرید ندارند قیمت اندکی را لحاظ کردم. همان شب با آدم‌هایی مواجه شدم که می‌خواستند کارت بانکی بکشند و پول جابه جا کنند. برخی هم می‌خواستند که بلیتی از هنرمند گلریزان کنند. اما به عنوان تنها نماینده استان خوزستان در بخش اصلی جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر قبول نکردم. من برای خودم این فریادها را می‌نثارم باید حفظ شود و حمایت‌ها اصولی و سیستماتیک و عادلانه باشد. اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان برای سامان دادن به این وضع نقش محوری دارد. منتها در آخرین ساعات قبل از اعزام به تهران معاونت عمرانی و معاونت سیاسی اجتماعی استانداری خوزستان در تماسی با شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب و فولاداکسین از آن‌ها خواستند که کمک کنند. شرکت نفت یک کامیون برای انتقال دکور و فولاداکسین هم یک اتوبوس برای انتقال چیل نفر از اهواز برای نمایش در اختیارمان گذاشتند. در آخرین لحظات هم اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان مبله و ویزه کرد که کل آن مبلغ را این شرکت گروه به عنوان پول توزیع کرد. دوستان متعددی در سایر استان‌های کشور دارم که واقفانه از وضع موجود در خوزستان در تعجب هستند. آن‌ها می‌گفتند چرا خوزستان ثروتمند اینقدر فقیر است. آن‌ها واقف از رضایت قلبی خود نسبت به مسئولین شهر و استان‌شان در مواجهه با تئاتر سخن می‌گفتند. گروه‌های متعدد تئاتری با پرواز راهی تهران شدند و بعدش ما با تمام استرس و بدو بنوهای که داشتیم خسته و گوفته راهی تهران شدیم.

**به موفقیت خود در جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر باور داشتید؟**

شک نکنید. به این موفقیت باور قلبی داشتم. از سنگینی کار مطمئن بودم. من پیش‌بینی می‌کردم که کل گروه به این موفقیت برسد. کسب این موفقیت‌ها آن هم برای خوزستان و شهر اهواز کار ساده‌ای نبود. منتها از کم لطفی‌ها و از بی‌مهری‌ها نسبت به هنرمندان تئاتر و هنرهای نمایشی خسته‌ام، حال دل خوب نیست.

**پس حسای دلگیر شدی؟**

از خودم دلگیر بودم که چرا مردم در این شهر و استان کار هنری انجام می‌دهم. در سطح شهر این همه بیلبورد به تنوع و اقسام تبلیغ فیک، پتیر، لوازم خانگی و آرایشی، لاستیک و... اختصاص داده شده اما چرا از میان این‌دها بیلبورد تنها دو بیلبورد هم شهر اهواز نیست. آیا ما فقط برای دل خودمان فعالیت هنری می‌کنیم؟ یا ما سهمی در رشد فرهنگی و هنری جامعه نداریم که به حساب نمی‌آید؟ اگر سهم هنر و تئاتر پرداخت شود واقفانه خوزستان ضرر می‌کند؟ از متولیان کم می‌شود؟ به صدا و سیما برای معرفی و بخش خبر این نمایش مراجعه کردم اما آن‌ها مرا به شرکت شروش ازاج می‌دهند که این شرکت هم برای هر ثانیه مبلغ هفتگی طلب می‌کند. اما مگر من اهل تئاتر از این پول‌ها دارم. کل هزینه نمایش را که نمی‌توانم برای چند ثانیه تبلیغ پرداخت کنم. متولیان صدا و سیما، تبلیغ نمایش انجام دادن به کجای شما بر می‌خورد. اما الان که این نمایش موفقیت‌های بزرگی را کسب کرد و برای تئاتر خوزستان اعتبار و آبرو آورد، آقایان بادشاهی افتاده که تئاتری هم وجود دارد و مجتبی رستمی فر هم در حال تمرین و اجرا و اعزام گروهی به جشنواره بوده است. واقفان خسته و کلافه‌ام. چرا اهواز باید به شهری تبدیل شود که سالان تئاتر شهر نداشتند باشد. ما از پاسوج، بسوهر، اصفهان، مشهد و تهران کمترین؟ یک تالار آئینه در بدترین موقعیت جغرافیایی ساختند که نمی‌توان از آن استفاده درستی کرد. در فضایی فرهنگی و هنری اهواز کج سلیقه‌گی موج می‌زند. در اهواز بالای ۳۰ سالن آمفی تئاتر وجود دارد که از آن‌ها استفاده هدفمندی نمی‌شود. چرا این سالن‌ها سهمی در رونق بخشیدن به هنر و تئاتر ندارند. عمده این سالن‌ها به فضایی برای اجرای تئاتر تبدیل شده که لجه‌ها و گویش‌های مقدس اقوام را به اسم نمایش مسخره می‌کنند و به یکدیگر می‌خندند.

**در نهایت انتظارت چیست؟**

انتظار شخصی ندارم. توقع من توجه به هنر و به خصوص تئاتر است. وقتی که انواع مشکلات مبتلا به در جامعه را می‌بینم احساس می‌کنم من به عنوان یک هنرمند باید کاری بکنم و تأثیری بگذارم. اما از این که نمی‌توانم این کار را بکنم، چون امکانات و بودجه لازم را ندارم ناراحت می‌شوم. در اهواز یک تالار آفتاب داریم که در محاصره هوش‌ها و سرکشی‌ها قرار گرفته و در بدترین شرایط به لحاظ بهداشتی قرار دارد. زمستان‌ها سرد و تابستان‌ها این سالن گرم است. چه ارگان و یا چه افرادی را باید به این سالن سامان دهند. قرار چند پلاتو در کنار تالار ساخته شود اما نیمه‌کاره و به سامان نرسد. در ساحل شرقی اهواز و غربی قصبی‌ها بکر برای اجرای نمایش داریم اما چرا کاری نمی‌کنند. اخیراً در میدان هفت تیر تهران در قلب پایتخت و در فضایی روزانه، محلی برای اجرای نمایش خیابانی ساخته شده است. پس چرا ما در اهواز از این مکان‌ها نلایم. یک پلاتوی ۲۰۰ نفره مگر چند کار و هزینه می‌خواهد. تو را به خدا به شعور فرهنگی و نیازهای هنری این مردم توهین نکنید. برای تمرین و اجرا امکان‌های مناسبی نداریم. در محله چهارصدسنگانه سالتی ساخته‌اند که خود ساعت ۸ شب جرأت ندارم به آن جا بروم. بارها نامه‌نگاری کردم و درخواست داشتم که در کنار تالار آفتاب یک ایستگاه اتوبوس راه‌اندازی شود تا چهلصدسنگانه سالتی ساخته‌اند که خود ساعت ۸ شب جرأت ندارم به آن جا بروم. بارها نامه‌نگاری کردم و درخواست داشتم که در کنار تالار آفتاب این همه متولیان این مردم توهین نکنید. برای نشوندن تالار آفتاب زده ندارم. داشت اما زدیدند. چه کسانی باید به این وضع سامان بدهند. جبران خلیل جبران یک جمله بسیار خوب دره که می‌گوید: «به من نان بدت تا به تو جامعه با فرهنگ بدهم.»

**نمایش مرثیه‌ای بر قتل ژولیوس سزار چه گریزی به موضوعات جاری می‌زند و اصولاً تئاتر چه نقشی در کاهش خشونت و آسیب‌های اجتماعی دارد؟**

این نمایش یک اقتباس از دو اثر شاخص است. نمایشنامه ژولیوس سزار یکی از بزرگترین نمایشنامه‌ها و آثار دراماتیک و ادبیات نمایشی جهان به قلم ویلیام شکسپیر است که با داستانی از ادبیات کهن ایران یعنی حکایت سیمیرغ منقح الطیر عطار در آمیخته شده است. ما تماشاگر را با این نمایش وادار به تئاتر جدید کردیم. این نمایش تأکید به زیست مسالمت‌آمیز مردم برای رسیدن به نیکی‌های بزرگ می‌کند. این نمایش تأکید می‌کند که باید دست از خشونت برداریم. نمایش مرثیه‌ای بر قتل ژولیوس سزار، مخاطب را به فکر فرو می‌برد و انسان بودن را یاد می‌دهد. من به عنوان کارگردان نسبت به جامعه خود مسئول هستم. وقتی که می‌بینم جامعه پیرامونی من با خشونت سازگاری پیدا کرده و روزانه اخبار نگران‌کننده روح جامعه را خراش می‌دهد وظیفه خود می‌دانم که با اجرای نمایش فاخر فرهنگ‌سازی کنم. هنر روحی‌های لطیف دارد و از خانواده‌ها را درگیر بیشتر می‌باید می‌کنیم. با گسترش هنر و به خصوص تئاتر در کیشوری از هم پیدا خواهیم کرد. فرهنگ گفت‌وگو بالاتر خواهد رفت. با هنر خشونت را باید از جامعه دور کنیم. حداقل کاری که به عنوان کارگردان تئاتر می‌توانم بکنم یادآوری عمیق فکر کردن است تا شرایط جامعه سامان‌مندتر شود.

**و در نهایت چه عاملی باعث می‌شود که نمایش مرثیه‌ای بر قتل ژولیوس سزار با موفقیت چشمگیری مواجه شود؟**

اول این که من دست‌تک تکت چهل نفری که از عوامل نمایش بودند را می‌بوسم. از خانواده آنان متشکرم. همت و تلاش آن‌ها باعث این موفقیت بود. هیچکس جز این چهل نفر حق ندارد که بگوید برای موفقیت این نمایش قدمی برداشته است. چون عشق و علاقه تیم نمایش موجب این موفقیت شد. اجازه نمی‌دهم هیچ مسئولی بگوید موفقیت این نمایش حاصل تلاش آن‌ها بوده است. هر کاری کردم برای شهرم بوده اما در نهایت من از این شهر خواهم رفت تا در شرایط بهتر و عادلانه‌تری بتوانم کار کنم.

نجات نجم ماجد؛ کارگردان عراقی:

## جشنواره تئاتر خیابانی عراق ایده‌اش را از جشنواره مریوان گرفت

نمایشی که داریم می‌شناسیم و در جشنواره‌های همدیگر، شرکت می‌کنیم. در جشنواره‌هایی که برگزار کرده‌ایم هم از هنرمندان ایرانی کمک و هم ایده گرفتیم، خصوصاً برای جشنواره تئاتر خیابانی که بین‌المللی هم هست و امسال هفتمین دوره‌اش دارد برگزار می‌شود و ایده اصلی‌اش را از جشنواره تئاتر خیابانی مریوان گرفتیم. از زمانی که انگلیسی‌ها آمدند و کرکوک را تصرف کردند، حدود ۱۰۰ سال می‌گذرد و از آن زمان تا امروز تئاتر سالنی و صحنه‌ای را داشته‌ایم اما ایده‌برایی جشنواره تئاتر خیابانی به چند سال قبل و آشنایی‌مان با جشنواره مریوان برمی‌گردد.

❏ برای اجرای نمایش در تئاتر فجر ایران دچار مشکل نشده‌اید؛ از لحاظ اعمال ممیزی و یاموارد دیگر؟

جشنواره خیلی خوب با ما برخورد کرد و مسئولانش خیلی خوب با ما استقبال کردند. آمدن به این‌جا تجربه بسیار خوبی برای ما بود و چیزی به اسم آذیت و آزار نداشتیم؛ ولی یک تفاوت‌های فرهنگی وجود دارد که می‌تواند مشکلاتی ایجاد کند. مثلاً در عراق رابطه‌های دختر و پسر وزن و مرد آزادتر است و از لحاظ موضوع و زبان هم ما آزادانه‌تر کار می‌کنیم؛ اما منتی را که برای جشنواره فجر فرستاده بودیم در چندین نکته از نظر برگزار کنندگان مشکلاتی داشت که به ما گفتند باید این‌ها را رعایت کنید و مجبور شدیم چندین صحنه را تغییر دهیم اما ناراحتی و اعتراضی نداریم. چون ما فرهنگ ایران را دوست داریم و مقررات جشنواره ایجاب می‌کند تغییراتی را بپذیریم و ما هم همه را رعایت کردیم و در نهایت از اجرا در جشنواره خیلی هم راضی هستیم.

❏ هزینه‌های رفت و آمد بر عهده خودتان بود یا جشنواره کمک هزینه‌ای را تقبل کرد؟

ما با هزینه‌های خودمان به ایران و جشنواره فجر آمدیم، که مبلغ زیادی هم بوده است. هر چند طبق صحبت‌هایی که شده بود، قرار بر این است که به گروه‌های نمایشی کمک مادی شود. شهر ما کرکوک زیر نظر حکومت اقلیم کردستان است و تا الان رسیدگی خاصی به تئاتر آن نشده؛ یک مرکز، یک موسسه، یک اداره یا یک جای خاصی که به تئاتر بسا به هنرمندان کمک کنند، در این شهر نیست و گروه ما به صورت مستقل فعالیت می‌کند. همانطور که قبلاً خودمان هزینه‌های اجرا در کردستان، عراق یا کشورهای دیگر را پرداخت کردیم الان هم برای حضور در جشنواره تئاتر فجر بدون کمک دولتی آماده شده‌ و به ایران آمدیم.



جشنواره تئاتر فجر حضور پیدا کنیم. ❏ استقبال مردم از تئاترها در عراق چطور است؟

در کل به علت موقعیت و اوضاع اقتصادی و سیاسی‌ای که در کشور عراق حاکم است و همچنین شیوع کرونا، بیننده‌های تئاتر از قشری خاص بوده و تماشاگر عادی خیلی کم است. اما در نهایت میزان استقبال از یک اثر نمایشی، بستگی دارد به گروهی که می‌خواهند آن را کار کنند. مثلاً گروه‌هایی که کم‌دی و طنز کار می‌کنند، مثل همه جای دنیا بیننده بیشتری دارند. اما در کنار این‌ها، کارهای خاص فلسفی و هنری هم بالاخره بیننده‌های خاص خودشان را دارند. ما نمایش «صندلی‌ها» را در سالن بزرگ هزار و دویست نفره کرکوک اجرا کردیم و کل صندلی‌هایش پر شد؛ یعنی برای یک شب اجرا ۱۲۰۰ تماشاگر داشتیم. اما کارهای دیگری هم در اقلیم کردستان روی صحنه‌رفته که فلسفی یا هنری بوده و بینندگان کمتری داشتند. فکر می‌کنم میزان استقبال مخاطبان از یک تئاتر هنری تا حدی هم وابسته به کار و کارگردان است. گروه‌هایی که کارگردان‌ها و بازیگران‌شان پیش مردم شناسخته شده‌تر هستند، اجرا که می‌گذارند، مخاطبان بیشتری به سالن می‌روند و کارگردان‌هایی که کار اول و دوم‌شان است، گاهی وقت‌ها چون مردم آن‌ها را نمی‌شناسند، بینندگان کمتری دارند.

❏ ارتباطتان با هنرمندان کردستان ایران چطور است؟ به دلیل هم‌زبان بودن ارتباطی باهم دارید؟

روابط خیلی خوبی داریم؛ بیشتر هنرمندان استان کردستان ایران را به خاطر روابط کاری و

عمومی در شهرهای عراق، در جشنواره‌های خارجی به خصوص در منطقه همچون ترکیه و اردن و تونس شرکت می‌دهیم و تاکنون جوایزی را هم در زمینه بهترین بازیگری و بهترین اثر کسب کرده‌ایم اما اولین بار است که در ایران به صحنه می‌رویم. ❏ وضعیت تئاتر در عراق چطور است؟ دولت مرکزی چقدر از اقلیم کردستان حمایت می‌کند؛ یعنی در اختصاص کمک و حمایت در مقایسه با مناطق دیگر، تبعیضی قائل می‌شود؟

وضعیت تئاتر در عراق نسبت به کشورهای دیگر در حال پیشرفت است و دیروزش با آموزش فرق می‌کند، در کل، هنرمندان اقلیم کردستان، هنرمندان مستقلی هستند که از جیب خودشان و به صورت شخصی برای اجرا خرج می‌کنند. عراق دارای یک حکومت سیستمی و نظام‌مند است، وزارتخانه‌ای برای فرهنگ و هنر دارد و بیشتر از لحاظ مادی و مالی به هنرمندان دولتی می‌رسد. در اقلیم کردستان هم دستگاهی دولتی هست که کمک‌هایی به تئاتر می‌کند، ولی این کمک گسترده نیست و هنرمندان مستقل هستند، برای همین بیشتر از جیب خودشان خرج می‌کنند. ولی کسی مانع اجرای تئاتر در عراق نمی‌شود و از لحاظ موضوع و زبان گروه‌ها آزادی دارند. از لحاظ مالی و مادی هم همانطور که گفتیم حکومت مرکزی در بغداد به گروه‌های دولتی بیشتر می‌رسد تا حکومت اقلیم کردستان، چون در کردستان گروه‌های نمایشی بیشتر حالت شخصی دارند. البته موسساتی خصوصی هم هستند که به آثار نمایشی کمک می‌کنند و اسپانسر می‌شوند؛ مثلاً امسال بنیاد انسان دوستی «مام» به ما کمک مادی کرد تا در

«نجات نجم ماجد» که از اقلیم کردستان عراق در چهارمین جشنواره تئاتر فجر حاضر شده بود، می‌گوید: هنرمندان اقلیم کردستان، هنرمندان مستقلی هستند که از جیب خودشان و به صورت شخصی برای اجرا خرج می‌کنند. ولی کسی مانع اجرای تئاتر در عراق نمی‌شود و از لحاظ موضوع و زبان گروه‌ها آزادی دارند. به گزارش ایلنا، «نجات نجم ماجد» که با نمایش «صندلی‌ها» نوشته اوژن یونسکو از اقلیم کردستان عراق در بخش ملل چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر حاضر شده بود، فارغ‌التحصیل رشته تئاتر و دبیر جشنواره بین‌المللی تئاتر خیابانی کرکوک و همچنین عضو دائمی هیات مدیره جشنواره بین‌المللی تئاتر بغداد است. به بهانه این اجرا که اولین حضور او و گروهش در ایران محسوب می‌شد با این کارگردان و دراماتورژ گفتگو کرده‌ایم که مشروح آن را می‌توانید در ادامه بخوانید.

❏ چطور با جشنواره تئاتر فجر آشنا شدید؟

من در جشنواره‌های مختلف، با هنرمندان ایرانی آشنا شده بودم و سال‌هاست که می‌دانستم جشنواره فجری که هر سال در ایران برگزار می‌شود، یک رویداد مهم بین‌المللی و شناخته شده است. امسال تصمیم گرفتم بر اساس فراخوان جشنواره فرم را پر کرده و کارم را به فجر بفرستم که خوشبختانه پذیرفته هم شدیم. به اعتقاد من، جشنواره تئاتر فجر متفاوت‌تر از جشنواره‌های دیگر و بسیار مهم است. می‌دانم که هیات بازبینی کار ما را دیده و از میان آثار متقاضی دیگر پسندیده و دعوت کرده است. از کشور عراق و خصوصاً از اقلیم کردستان مثل اربیل و سلیمانیه و بغداد هم چندین کار دیگر متقاضی حضور در جشنواره شده بودند. اما از میان تمام آن‌ها فقط دو نمایش از عراق در جشنواره پذیرفته شده است که یکی از آن‌ها «صندلی‌ها» و دیگری کار مشترکی از ایران و عراق است. نمایش «صندلی‌ها» که در جشنواره فجر اجرا کردیم یک تئاتر فیزیکال و قصه دوزج است که دور از جامعه افتاده‌اند و بحث بیپه‌دگی و پوچ‌گرایی را مطرح می‌کند. با گذشت دهه‌ها از نوشته شدن این متن و مرگ اوژن یونسکو نویسنده‌اش، هنوز در تمام جهان اجرا می‌شود که نشان می‌دهد برای هر عصر و هر زمانی می‌تواند حرفی تازه برای گفتن داشته باشد چون یک بحث فلسفی را برای زندگی مطرح می‌کند. البته برای اجرا من کمی متن را تغییر دادم و روی آن کار کردم. ضمن اینکه گروه ما آمیخته‌ای از تخصص و هنر است و آثارشان را بعد از اجرای



## تریبون

حامد خسروی مطرح کرد:

### کم شدن تئاتر از سید خیلی از تماشاگران تئاتری

فرهاد جمشید دانایی

hampol1993@yahoo.com

حامد خسروی، بازیگر و کارگردان تئاتر، دارای مدرک کارشناسی رشته معماری از دانشگاه آزاد واحد قزوین و فارغ التحصیل مقطع کارشناسی رشته هنرهای نمایشی گرایش بازیگری از دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز که چندی پیش، کله بیک های آرزائینی «نوشته حسن سالارمنش» با طراحی و کارگردانی منصور آفانلو در مقام بازیگر و مسئول انتخاب بازیگر در «خانه نمایش مهرگان» به روی صحنه داشت، از شرایط فعلی تئاتر گفت و بیان کرد: نمی توان گفت تئاتر به رغم دشواری هایی که همیشه شاهدش بوده، به طور کامل از سید تماشاگران تئاتری حذف شده، باتوجه به مشکلاتی که هست و همه حس می کنند، واقعاً از سید خیلی از تماشاگران تئاتری کم شده است؛ کسانی که حرفه یگ این را تماشا می کردند، آن هر دو هفته یا هر ماه یک بار این امکان را دارند که تماشاگر تری باشند. علت این موضوع مشهود است و به مشکلات موجود در جامعه و شرایط اقتصادی افسار مغفله برمی گردد. وی درباره تغییرات شرایط تئاتر طی هشت سال فعالیت خودش در عرصه تئاتر گفت: «تئاتر، کم کم و با شیبی تند سمت سینمایی شدن و تلویزیونی شدن پیش می رود؛ این روز که کارگردان ها و تهیه کنندگان اکثر آثار تئاتری به همدگه کسب درآمد معیاش و بدون نگاه به کیفیت و کمیت اثر، دنبال استفاده از بازیگران چهره و اسمی سینمایی و حتی تلویزیونی هستند تا اثر ژرفروشی داشته باشند؛ این رویه برای هنرمندان جوان کمتر شناخته شده و کاربلد تئاتر و در وهله بعد، تارکاتر، دشواری به همساره دارد، علاوه بر اینکه شیوع ویروس کرونا بر سخنی این شرایط می افزاید». کارگردان نمایش «سگ های شرمه افروز»؛ اصل وجود تئاتر در چند سال گذشته، از جهت بازیگری، نمایشنامه نویسی، کارگردانی و امکانات صحنه، پیشرفت و درک مخاطب از سبک و سبک اجراها افزایش داشته است». وی درباره دلیل اصلی پیشرفت ها در تئاتر، درون گفتگویی مثل رابطه تئاتر با مخاطب یا بیرون گفتگویی نظیر سیاست گذاری نهادهای تئاتری گفت: «فادر به تفکیک این ها از هم نیستیم؛ زسرا از یک سو، اکثر قرب به اتفاق تئاتری ها مثل بازیگران، کارگردانان، طراحان صحنه و لباس و دیگر عوامل به سمت کسب دانش دانشگاهی رفتند و فارغ التحصیلان دانشگاهی بار بخشی از تولیدات تئاتر در سال را بر دوش می کشند که خودش، تأثیر بسیار مثبتی دارد. از سویی، فضا نسبت به دوره قبل، آنگهی و نه خیلی بازر شده که این موضوع هم بر پیشرفت تئاتر تأثیر گذار بوده، خیلی از ممیزی ها که در آثار وجود داشت و هنوز هم هست، حالا با شدت و حدت کمتری اتفاق می افتد. مخاطب ها هم دیدشان باتوجه به شرایط جامعه نسبت به تئاتر خیلی تغییر کرده و پخته شده، مثلاً شاید چند سال قبل، اجرای یک نمایش ابزورد مخاطب آن چنانی نداشت و فقط آن ها که مطالعه و آشنایی داشتند، به تماشا می نشستند؛ در صورتی که اینک کسانی که هیچ دیدگاهی نسبت به این سبک ندارند، قادر به درک کلیت اثر هستند». طراح لباس نمایش «این قهه راهسته بخوان» پیرامون تفاوت بودجه پروژه های سینمایی در قیاس با نمایش های تئاتری و تأثیر آن بر کیفیت آثار وی صحنه گفت: «رابطه مستقیمی برقرار است؛ اکثر کسانی که تئاتر کار می کنند یا تئاتر را شغل محسوب نمی کنند یا شغل دوم آن ها است، از آنجاکه درآمد و باگشت هزینه ها نهایتاً کفاف هزینه های رفت و آمد طی تمرینات را می دهد. هر چند نمی توان منکر شد آثاری وجود دارند که به گیشه های پر فروش دست می یابند؛ و بازیگران معدودی که از این راه درآمد مناسب کسب می کنند. تئاتر مثل سینما نیست که درصد زیادی از هنرمندانش بتوانند درآمد خوبی داشته باشند؛ هر چند این هم بیشتر شامل بازیگران است و میان عوامل سازنده این آثار نیز درآمد یابن به شدت دیده می شود. در تئاتر، این مقوله به شدت به چشم می آید؛ اگر بخواهیم از بازه مطلوبیت برای ماهیت تئاتر و هنرمندانی که در این رشته با عشق و علاقه محض فعالیت می کنند، بهره ببریم، بیجا نگفته ایم». طراح صحنه فیلم تئاتر «کوشین» به کارگردانی نیلوفر محمدی، درباره تأثیر بودجه لبتک تولیدات تئاتری بر کیفیت آثار گفت: «قطعاً می تواند تأثیر گذار باشد. از آنجاکه کسی که تئاتر، شغل دوم او است و مسیح تا بعد از ظهر، مشغول فعالیت در شغل دیگری است، از لحاظ ذهنی جسمی موقع فعالیت در تئاتر خسته است که عالی القاعده، بر کیفیت آثار تأثیر می گذارد. البته نباید از یاد برد کسانی که عاشقانه تئاتر می سازند، می کوشند این کسود بودجه و خستگی ها کمترین تأثیر را بر آثار داشته باشند؛ اما تا خود آگاه، باتوجه به دل مشغولی ها و مشغله ها اتفاق می افتد». خسروی راجع به تفاوت تماشاگران یک اجرای تئاتر در یک سالن تئاتر مشخص در قیاس با کسروی تماشاگران آثار سینمایی بحث شده در سینماهای متعدد و تأثیر تئاتر بر فرهنگ سازی به رغم محدودیت تعداد تماشاگران، گفت: «اصل و ماهیت وجودی نمایش، همین تأثیر گذاری بوده؛ سواي تعداد مخاطبانی که در سالن های تئاتر به تماشا می آید، در طول تاریخ کیفیت بخشی از آن ها می نشینند. تماشاگری که در سالن تئاتر به تماشا می آید، زنده و با وضوح کامل، نمایش را حس و درک می کند و کاتارسیس برای او روی همان صندلی و به همان شکل رخ می دهد؛ بیش از آنکه حتی سالن را ترک کند. در سینما و تلویزیون نیز این اتفاق می افتد؛ اما به مراتب کمتر است؛ مثلاً فرق سینما، تئاتر و تلویزیون را می توان این گونه توصیف کرد: جاده ای که دو طرف آن را درخت فرا گرفته است و باران می ریزد. از این جاده، یک نفر سوار بر موتور و دیگری با ماشین می گذرد. شخصی که با موتور از جاده عبور می کند، قادر به تماشا می تمام فضا است و می تواند وسعت دید بیشتری نسبت به اشخاص سوار در ماشین داشته باشد. یاد صورت او را نوازش می دهد و نم باران را حس می کند. طبیعت را می بیند. بویا را استشمام می کند و از همه این ها لذت می برد. آنکه ماشین را می راند هم این ها را تجربه می کند؛ هر چند در چهارچوب ماشین محصور شده است که روح وجودی و اصل ماهیت این فضا را نمی تواند به طور کامل درک کند. این مثال ساده ای درباره تأثیر و تفاوت عمق دیدی است که بین سینما و تئاتر وجود دارد». وی درباره ارزیابی خودش از آینده تئاتر باتوجه به بازگشت سالن های تئاتر به ظرفیت ۵۰ درصدی ظرفی به رغم واکنشها و گسترده گفت: «واقعاً امکان پیش بینی وجود ندارد و تنها می توانم بگویم اینظر در آمدی برای اهالی تئاتر از این بدتر نخواهد شد؛ زسرا در حال حاضر، نزدیک به صفر است. امیدوارم اداره کل هنرهای نمایشی، صندوق اعتباری هنر و وزارت فرهنگ و ارشاد به گروه های نمایشی کمک های مالی داشته باشند تا جبران خسارت آن ها شود؛ همان طوره که قبلاً کمک هایی کردند. باید اذعان کرد کمک های مالی برداختی متناسب با شأن و منزلت این قشر از جامعه نبوده و ناچیز است. باید نگاه ویژه ای به هنرمندان داشته باشند تا شرایط به ثبات برسد و بتواند در فضای هنر راحت تر فعالیت کرد؛ بدین صورت، حداقل برای او دوش اهالی تئاتر برداشته خواهد شد تا به عنوان کمترین خواسته بتوانند زندگی راحت و روزمره را با اندک استناد ازها پشت سر بگذرانند».

چالش های قرن

## آنچه اقتصاد بر سر تئاتر آورد



بهروز غریبپور

چند شب پیش به دعوت یکی از بازیگران صاحب نام به تماشاخانه ای رفتم که ساعت هشت شب اجرا داشت. دیرتر شروع شد چون پیش از آن یک اجرای دیگر بود و شنیدم که پیش از آن دو اجرای دیگر هم بوده و تصور این بود که آن اجرا آخرین اجرای آن سالن و آن شب است اما چه خیال باطلی! تشویق به پایان نرسیده دورا هم! در حال «هی» کردن تماشاگران بودند! و گروه بعدی به صورت فست موشن در حال چین صحنه بود...

آن کاراز ششمی العماره سه سالن داشت و اگر میانگین در یک شبانه روز ۱۲ اجرا داشته باشد می توان گفت: کاسبی خوبی بود. کاراز خوبی بود، پارکینگ طبقاتی خوبی بود اما در بیخ از ذره ای فرهنگ... در نگاه اقتصاد باز این تماشاخانه موفق است؛ بوفه اش فعال، کالری اش فعال، سالن های اش فعال و روی کاغذ اقتصاد این تماشاخانه دارای تراز مثبت مالی است اما از نظر اقتصاد هنری یک لکه سیاه بر پرده تئاتر است که یک قرن از عمرش می گذرد و این محل موقت اجرا مطلقا در فهرست اهداف خود نه به استقرار گروه فکر می کند، نه به طراحی صحنه و نه به طراحی اجرای یک اثر! فرمول این کسب تئاتر این است: تخصیص سالن ها در صبح ها در قبایل دریافت وجه/ تخصیص سالن ها با فاصله حداکثری نیم ساعت به گروه های تئاتری و دریافت درصد کم تر از گروه ها، حتما شرط هم شده نمایش باید حداقل زمان برای تعویض نور و صحنه و... را داشته باشد!

اما از وای این آشوب می توان بی برد که تئاتر خواهان دارد، گران است، پس خواهانش خانواده ها نیستند؛ چون یک خاتوار چهار نفری باید یک میلیون تومن بسلفند که نمایشی را در این قبیل تماشاخانه ها ببینند. هزینه رفت و برگشت، هزینه بلیت، خورد و خوراک که خواسته و ناخواسته ولو برای یک شب آشپزخانه را از کار می اندازد و اگر زمانی شعار «اول ساندویچ بعد سینما» جا افتاده بود، حالا بعدش پیتزا می چسبد و تئاتر اگر در سید خاتوار جایی نداشته باشد، به زودی اهمیت همه جا بگی خود را از دست می دهد. هر چند نوعی تئاتر معروف به تئاتر «آزاد» که معادل تئاتر «بی خیالیت» است، هنوز تماشاگران خود را دارد؛ خانواده می روند تا دو ساعت رسته برونند و گروه تئاتر شعرشان این است: «خلق را خوش کنیم و خوش باشیم» و «بزن بر طبل بی عاری که آن هم عالمی دارد». تئاتر کودک هم رونق دارد؛ طبقه متوسط برای تئاتر دیدن فرزندانشان سر کبسه را شل می کنند. هر چند در دوران کرونا تمام این کسب و کار تا آستانه نابودی رفت اما نه تنها در تهران بلکه در مشهد و شیراز و چند شهر دیگر تئاتر حداقل از نظر مالی - بخوانید اقتصاد نیم بند - علم استقلال به دست گرفته و رونقی داشت و دارد. برای ادامه این رونق نسبی تماشاخانه داران به هر حیل و رهی پیش پای جماعت تئاتری می گذارند؛ برو دوتا سلبریتی بیار، کهنه فوتبالیستی، کهنه کشتی گیری - از آن نوع از آلبیمو تا فرش و شامبو برایش فرقی ندارد - یا برو یک عده جوان عاشق بیار که از دیوار راست هم بالا می روند تا دیده بشوند، اینها حتی پول هم می دهند! غرض اینکه پس از صدادال با تمام این بازار آشفته کم یا بی صاحب شعله های تئاتر نه تنها فروکش نکرده بلکه خودش را با شرایط سازگار کرده است؛ کتاب تئاتری تله تئاتر را پشت کوش انداخته است اما صدا یا همان رادیو، هم کانال نمایش دارد هم به سراغ کارگردان ها و بازیگران و نمایش نامنویسان می رود و در یک سویش پن - نگاه سریع دوربین - عرصه خالی نیست اما: آنچه بر سر سفره خانواده های تئاتری قرار می گیرد،

از قبل سریال بازی کردن، گاه گذاری در فیلمی بودن است و رزق روزی، هن و هن کنان جور می شود...

می خواهم بگویم اگر روزی روزگاری «عبدالحسین نوشین» می توانست از قبل یک سال فعالیت و درآمد تئاتری پولی جور بکند که دو سال در اروپا به دنبال آموزش دیدن باشد، یا با تمام بدبختی ها، سرسختی «مصطفی اسکوتی» باعث می شد پیش از هفت سال چراغ تماشاخانه را روشن نگه دارد و اطلوی شکسب، روپهلان لیلیان لملن، طبقه ششم آلفرد زاری، خانه عروسک ایسن، تراموایی به نام هوس تنسی ویلیامز، گرگ ها و بره های آستروفسکی، کالسکه زرین پرویسر مریمه، غار سلامانگ سروانتس و صاحبه مهمانخانه کالدونسی را روی صحنه بیاورد، یا اگر بازیگر-گرمپوری مانند «نصرت کریمی» به قول خودش آن قدر درآمد داشت که روزی یک پرس چلوکباب ۲۵ ریالی نوش جان بکند ولی معلم ها چنین ریسکی برایشان حکم قتل عام خانواده را داشت یا عمومی و وثیقی بازاری شریک تئاتری می شدند که تماشاخانه های فرودسی سعدی را علم بکنند و تمام ضوابط تئاتری را هم در حد وسعشان به جا بیاورند و مثلا برای اجرای پرده آبی موریس مترلینک، سنگ تمام بگذارند و سن گردان و دکور و جلوه های ویژه صحنه را برای نوشین تهیه کنند و تماشاگران برای خریدن بلیت سر و دست می شکستند، امروز معیارهای دیگری حاکم است؛ دلار بهتر است یا زیبایی شناسی صحنه؟ البته که «دلار جان»!!!

البته آن روزگار که در سال ۱۳۹۸ خورشیدی که در طبقه بالای چاپخانه «فارس» یا به قول آن زمان مطبوعه فارس «نمایش می دادند» منبع تامین هزینه تئاتر از محل اعانات اغنیا و معتقدین به توسعه ابرار سولیزاسیون، مدرسه، روزنامه و تئاتر تامین می شد، هر چند در روزنامه ایران اعلام می کردند: «شرکت علمیه فرهنگ برای تهذیب اخلاق و تأسیس کتابخانه عمومی شب یکشنبه ۲۶ ذی حجه برابر با ۲۵ جدی و شب سه شنبه ۲۸ شهر-ماه- جاری ذی حجه نمایش اخلاقی، پانتومیم و کنسرت ایرانی خواهد داد. اکثرست و موزیک نظامی در هر دو شب مدعوین را مشغول می دارد. محل فروش بلیط از امشب (نیم ساعت به غروب مانده) در عمارت فوقانی مطبوعه فارس خواهد بود».

اما فروش بلیت به معنی امروزی از رونق بازار تئاتر در لاله زار جان گرفت و الا پیش از آن گروه های تئاتری مطلقا برای کسب درآمد و به عنوان یک شغل به سراغ تئاتر نمی رفتند.

در جایی دیگر می خوانیم: «چون اقدامات شرکت فرهنگ - شرکت علمیه فرهنگ اولین گروه تئاتری رسمی ایران - البته منوط به وجود سرمایه است و عده اعضای شرکت به قدری زیاد نشده است که وجه اعانه مقرر ایشان متعدی شود و دردی را دوا کند، لهذا عمده همت هیئت عامه و اعضای محترم تاکنون مصروف فراهم کردن سرمایه بوده و برای این مقصود یک مرتبه در زمستان گذشته نمایش تیاتر مانند داده و از این راه مبلغی عاید گردید که با سایر علیات در تجارتخانه جمشیدیان به طور محاسبه جاریه گذاشته شده و فعلا این شرکت به غیر آنچه در محل دارد، تجارتخانه مزبوره نیز مبلغ سصد تومان دارا می باشد» و الی آخر و سخن آخر ۱۵ تا ۲۰ سال پیش با زنده یاد دکتر «فیروز رئیس دانا» در جمعی کارشناسی مجدلهای داشتیم. ایشان با آن جوش و خروش همیشگی ادعا می کرد که تئاتر می تواند خودکفا باشد و از سر دولت خلاصی بشود. من مجبور شدم که سندی رو کنم «در یک بررسی اقتصاد تئاتر که در سال ۱۹۹۸ در فلاند انجام شده بود. آمار گران با عدد و رقم دقیق نشان داده بودند که در کشور فلاند پنج و نیم میلیون نفری تعداد شش میلیون بلیت تئاتر فروخته شده، به عبارتی ۵۰۰ هزار نفر بیشتر از جمعیت کشور و با این فقط ۲۵ درصد هزینه های فعالیت تئاتری از محل فروش بلیت و ۷۵ درصد از محل کمک های دولت، شهرداری ها و نگاه های تجاری و صنعتی تامین شده است».

روحش شاد، از آنجا که دلایل قوی بود و معنوی، به قول حضرت مولوی رئیس دانا، معرور تسلیم شد!

«صبح نو» نمایش «مارادونا» را بررسی می کند

## مارادونا بودن رنج است

«دیه گو آرماندو مارادونا» این نام را می توان یکی از مهم ترین اسامی ورزشی دنیا دانست که وقتی در بیست و پنجم نوامبر ۲۰۲۰ درگذشت، خیرش همچون ضربه توب مهیبی بود که بر قلب و جان هوادارانش فرود آمد. نمایش «مارادونا» به نویسندگی و کارگردانی بهران رنجبر و با بازی میلاد معبری، مهدی یگانه و علیرضا عبدالکریمی این روزها ساعت ۱۹ در تماشاخانه نوفل لوشاتوروی صحنه است.

سمانه استاد



### مارادونا که بود؟

مارادونا سرمربی و بازیکن فوتبال بازنشسته آرژانتینی بود. او یکی از بهترین بازیکنان تاریخ فوتبال به شمار می رفت و همواره شماری از بازیکنان و مربیان سرشناس، کارشناسان، مجلات تخصصی فوتبال و نیز هواداران این رشته ورزشی، او را برترین بازیکن تمام ادوار فوتبال می دانند. در نظرسنجی ای که از سوی فیفا انجام شد، او همراه با پله، برنده عنوان برترین بازیکن قرن بیستم میلادی شد. مارادونا تیم ملی آرژانتین را با درخشش خود در جام جهانی ۱۹۸۶ به قهرمانی رساند. استعداد، تکنیک، چابکی، دید فوی، پاس های دقیق، مهارت در کنترل توپ و دربیله زنی مهارتندنی مارادونا باعث شده بود تا با وجود قامت کوتاهی که دارد، در فوتبال سرآمد باشد و به او لقب پسر طلایی را بدهند.

مارادونا اولین بازیکن در تاریخ فوتبال بود که دو مرتبه رکورد نرخ نقل و انتقال را در جهان شکست. او در دهه ۹۰ بار برای تیم ملی آرژانتین به میدان رفت و ۳۴ بار گل زنی کرد و در چهار جام جهانی فوتبال شرکت داشت. مارادونا در یک چهارم نهایی جام جهانی ۱۹۸۶ مکزیک هر دو گل پیروزی آرژانتین را در برابر انگلستان که از مدعیان قهرمانی بود، وارد دروازه کرد. تا آرژانتین در نیمه نهایی و فینال نیز با کارکرد درخشان او برابر بلژیک و آلمان غربی به پیروزی رسیده و قهرمان شود. گل اول مارادونا در این دیدار که توپ را از زنگانه با دست وارد دروازه کرد، به گل «دست خدا» معروف شد. او بعد از گل دست خدا و آغاز مجدد بازی ۶۰ متر را با دربیله زدن چهار بازیکن انگلیس و دروازه بان این تیم پیسود و گل دوم تیمش را هم به ثمر رساند که بسیاری آن را بهترین گل تاریخ فوتبال می دانند. سال ۲۰۰۲ در نظرسنجی فیفا این گل به عنوان «گل قرن» فوتبال برگزیده شد.

### ابعاد پنهان زندگی اسطوره

این ها بخشی از زندگی مارادونا است که بسیاری از آن اطلاع دارند. در نمایش «مارادونا» اما نباید به دنبال این بخش ها بود. کارگردان نمایش را بر داستانی از زندگی مارادونا

بنا نهاده که شاید تعداد کمی از طرفداران او بدانند؛ اینکه او پسرش را پس از ۲۹ سال به فرزندگی قبول کرد.

رنجبر بیش از این نیز برتره هایی را درباره شخصیت های مانند استیو جابز و مارلون براندو روی صحنه برده است. اجرای نمایش مارادونا به نوعی ادای دین کارگردان به یک اسطوره فوتبال است. در این نمایش نباید منتظر بازیکنی باشیم که رویایی بزند؛ زیرا رنجبر در این اثر تنها سعی کرده اندیشه و فلسفه رایه مخاطب منتقل کند.

در نمایش «مارلون براندو» رنجبر بخش زیادی از تمرکز خود را روی رابطه براندو و ماریا اشنایدر، همبازی او در یکی از فیلم هایش گذاشته بود و سعی داشت به واسطه این بازیگر زن به زندگی و رنج های این هنرمند وارد شود. در نمایش مارادونا نیز رنجبر این کار را از طریق پسر مارادونا، انجام می دهد و به این طریق مارادونا را در رنجی که در آن گرفتار است به نمایش می گذارد.

رنجبر روی کارهایش عنوان «متوگرافی» قرار داده و می گوید این اسم را خودش انتخاب کرده است؛ زیرا اجراهای او بیوگرافی یا پرتره نیستند، بلکه پرداختن به این شخصیت ها بهانه ای است تا افکار و اندیشه های خودش را با مخاطب در میان بگذارد؛ بنابراین اطلاق عنوان پرتره از نظر علمی درست نیست. در سوی دیگر، نمایش های او بیوگرافی هم نیستند که اطلاعاتی کلی درباره آن شخصیت ارائه دهند.

### آدم هایی گرفتار در بوزخ

این کارگردان تحقیق زیادی روی نمایش هایش می کند و سعی دارد وجوه متفاوت و پیرنگ نشده این شخصیت ها را به مخاطب نشان دهد. فلسفه او را می توان زندگی همراه با رنج دانست. همان طور که مارادونا نیز وقتی از جایگاهی که برای او در نظر گرفته شده بیرون می آید دیالوگی چنین می گوید که: زندگی رنج است؛ زیستن رنج است، مگر رنج است، مارادونا بودن رنج است. اما نکته مهم این است که این فلسفه شخصیت هایی که نام شان روی نمایش گذاشته شده نیست، بلکه فلسفه شخصیت هایی است که رنجبر خلق کرده است.



«مارادونا» نمایشی برای عاشقان فوتبال و مارادونا نیست. نمایش برای عاشقان فلسفه است

مهم ترین ویژگی کارهای رنجبر که آن ها را خاص و متفاوت کرده، شکل روایت او از اتفاقاتی است که زندگی شخصیت های مهم آن ها پرداخته شده است. او از پرداختن به اتفاقاتی که زندگی این شخصیت ها را شکل داده است، به این اتفاقاقت برهیز و سعی کرده است یا پرداختن غیرنرال به داستان زندگی شخصیت ها اشاره کند. شخصیت های نمایش های رنجبر به نوعی در بوزخ گرفتارند، برخی که زندگی و انتخاب های شان را ساخته است. آن ها با وجود همه شهرت و ثروتی که دارند خوشبخت به نظر نمی رسند و مدام در تلاشند برای اینکه آن بخش سیاه وجود را بپزند یا بزد کنند.

بازی بازیگران را می توان نقطه قوت نمایش مارادونا دانست؛ بازیگرانی که مشخص است ماه ها برای این نقش ها تمرین کرده اند. صحنه نمایش اما ساده است. مارادونا در جعبه فلزی بارها گرفتار شده که نشان از گرفتاری او در اعتیاد و الککل دارد. پسرش لیاسی با نقش اثر انگشت برویش و بند نافی که دور گردنش است در صحنه ظاهر می شود که نشان از رنج زاده شدنی است که او ۲۹ سال تحمل کرده است. بند نافی که هیچ گاه از گلویش باز نشد تا او کمی زندگی کند و رنج نپذیرفته شدن همیشه گلویش را فشار داده است.

«مارادونا» نمایشی برای عاشقان فوتبال و مارادونا نیست. نمایش برای عاشقان فلسفه است و کسانی که تنها از روی عنوان یک نمایش، انتخاب می کنند که به دیدن آن بروند یا نه باید کمی در این مورد تأمل کنند. زیرا آن ها مارادونا، اسطوره فوتبال را روی صحنه نخواهند دید، مارادونایی را خواهند دید که دغدغه ها و فلسفه یک کارگردان جوان را به دوش می کشد.

## سیاوش طهمورت:

## تئاتر زمینه‌ساز همه هنرهای نمایشی است



سیاوش طهمورت در گفتگویی از زندگی و کارهای هنرش گفت و در بخشی از آن یادآور شد که یک زمانی مداح بودم. موزه سینمای ایران در ادامه انتشار سلسله نشست‌های تاریخ شفاهی خود با «سیاوش طهمورت» بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون گفت و گو کرده است. بخش‌هایی از گفتگوی تاریخ شفاهی این هنرمند را منتشر کرده است که در زیر می‌خوانید.

به گزارش ایسنا، سیاوش طهمورت با بیان اینکه در تهران محله امیریه به دنیا آمده است گفت: زنده یاد حبیب کاوش دوستم بود و در یک محله زندگی می‌کردیم یادم می‌آید

پول‌هایمان را جمع می‌کردیم با هم بلیت ۶ ریالی می‌خریدیم و به سینما می‌رفتیم و دو سه سانس فیلم پشت سرهم می‌دیدیم.

وی ادامه داد: زنده یاد «حبیب کاوش» به آموزشگاه بازیگری می‌رفت و هرچه یاد می‌گرفت به من که دو سال از او کوچکتر بودم نیز یاد می‌داد و ما حتی تعزیه و نوحه خوانی هم می‌کردیم و من یک زمانی مداح بودم.

طهمورت خاطرنشان کرد: روزی که می‌خواستیم به اداره تئاتر در آب سردار بروم زمانی بود که زنده یاد عزت‌الله انتظامی، زنده یاد جعفر والسی، علی نصریان هم حضور داشتند. یادم می‌آید آقای والی به من گفت

همه چیزهایی که تا به امروز یاد گرفتی را کنار بگذار از امروز باید از من یادگیری (با خنده) و من به او گفتم چشم و وارد گروه زنده یاد داوود رشیدی بنام گروه تئاتر امروز شدم.

وی ادامه داد: در سال ۱۳۴۹ پیتربروک به ایران آمد و من برای کار با او انتخاب شدم و در تمرین‌های ما آقایان آوانسیان و رشیدی نیز حضور داشتند. جالب است بگویم که ما تمرین‌هایمان را در همین باغ فردوس که امروز در خدمت شما هستیم، شروع کردیم.

وی درباره اهمیت تئاتر، گفت: گاهی شنیده می‌شود که ما به سالن هم می‌گوییم تئاتر در حالیکه سالن جایی است که تئاتر در آن اجرا می‌شود باید توجه داشته باشیم که تئاتر با نمایش فسرک دارد و تئاتر روی صحنه شکل می‌گیرد. از برخورد دو فکر، ایده، خرد، دانش و دیدگاه تئاتر ایجاد می‌شود که هم سرگرم کننده، معانی دهنده و هم درگروگون کننده است اما نمایش تنها سرگرم کننده است.

طهمورت درباره علاقمندان به بازیگری بیان داشت: کسانی که می‌خواهند وارد کار تصویری سینما و تلویزیون شوند باید تئاتر کار کرده باشند زیرا تئاتر زمینه‌ساز همه هنرهای نمایشی است. وقتی تئاتر کار می‌کنید حداقل باید حداقل نیم ساعت بر روی صحنه حضور داشته باشید و در تمام این مدت باید کارکتر را حفظ کنید. در تئاتر بازیگر دقیقاً زندگی

می‌کند اما جلوی دوربین فیلمبرداری بدین شکل نیست زیرا چندین بار ممکن است یک سکانس تکرار شود. در تئاتر با نفس تماشاگر در ارتباط هستیم و تخیل و فکر تماشاگر را به کار می‌اندازیم اما در سینما بدین شکل نیست و لذت تئاتر بیشتر از فیلم است زیرا با توجه به شخصیتی که ایفا می‌کنید با تماشاگر در ارتباط هستید و واکنش‌های آنها را می‌بینید.

ی با اشاره به همکاری خود با داوود میرباقری گفت: یادم می‌آید فردی آمد و گفت در کار آقای میرباقری بازی می‌کنی و من هم پذیرفتم و دو نقش مساواکی و گورکن را بازی می‌کردم که دو بازی متفاوت بود. بعد از آن در سریال آینه بازی کردم و در «گرگ‌ها» که بازیگر و مشاور کارگردان بودم.

طهمورت با بیان اینکه زنده یاد «علی حاتمی» کارگردان بسیار خوب و موفقی بود، افزود: حاتمی در کارنامه کاری خود هزارستان و مادر را دارد که شاهکار بودند. روزی که هزارستان را می‌ساخت درجایی من را دید و گفت همه بازیگران در فیلم من هستند و تو چرا حضور نداری و من به او گفتم اگر قسمت باشد در خدمت هستم که متأسفانه این اتفاق نیافتاد.

وی ادامه داد: در فیلم سینمایی «گاو» مدتی دستیار داریوش مهرجویی بودم فیلم بسیار درخشانی بود و همه بازیگرهای تئاتری در این فیلم حضور داشتند. مهرجویی برای فیلم اجاره

نشین‌ها از من دعوت کرد، فیلمنامه را خواندم و قبول کردم زیرا من به داریوش مهرجویی معتقد هستم. او کارگردان بسیار خوبی است که فلسفه سینما، لنز و کتش و واکنش بازیگر را به خوبی می‌شناسد اینها مواردی است که هر کارگردانی نمی‌داند اما کارگردان‌هایی مثل داریوش مهرجویی و ناصر تقوایی به خوبی می‌شناسند.

طهمورت بیان داشت: خیلی دوست دارم بازیگری که در مقابل من قرار می‌گیرد بازیگر بسیار توانایی باشد زیرا توانا بودن او من را هم توانا می‌کند و موجب می‌شود کار بسیار خوبی را عرضه کنیم.

وی با اشاره به سریال «زیر تیغ» گفت: نقشم در این سریال را باور داشتم البته به خاطر سرسختی‌های نقش شاهد نامزاهایی هم بودم (با خنده) اما با این حال مردم من را دوست داشتند و در کوچه و خیابان بسیار به من احترام می‌گذاشتند. با تمام این تفاسیر باور کرده بودم که باید با این نقش زندگی کنم و به این دلیل برام لذت بخش بود که شخصیتی شکل گرفته که در در آدم‌های اطرافت و در جامعه نیز می‌بینی.

طهمورت با بیان اینکه عرصه هنر مشکل‌ترین حرفه است، بیان داشت: ورود به آن آسان است اما برای دوام آوردن، بازیگر و هنرمند شدن باید خیلی خاک خورد و زحمت کشید



## لذت کار در تئاتر بیشتر از فیلم است

سپاوش طهمورث در گفتگوی تاریخ شفاهی خود با موزه سینما بیان کرد برای بازی در «زیر تیغ» بارها ناسزا شنیدم.

به گزارش خبرگزاری مهر به نقل از روابط عمومی موزه سینما، موزه سینمای ایران در ادامه انتشار سلسله نشست‌های تاریخ شفاهی خود به مناسبت زادروز «سپاوش طهمورث» بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون بخش‌هایی از گفتگوی تاریخ شفاهی این هنرمند را منتشر کرده است که در زیر می‌خوانید.

سپاوش طهمورث با بیان اینکه در تهران محله امیریه به دنیا آمده است گفت: زنده یاد حبیب کاوش دوستم بود و در یک محله زندگی می‌کردیم یادم می‌آید پول‌هایمان را جمع می‌کردیم با هم بلیت ۶ ریالی می‌خریدیم و به سینما می‌رفتیم و دو سه سانس فیلم پشت سر هم می‌دیدیم.

وی ادامه داد: زنده یاد «حبیب کاوش» به آموزشگاه بازیگری می‌رفت و هرچه یاد می‌گرفت به من که دو سال از او کوچک‌تر بودم نیز یاد می‌داد و ما حتی تعزیه و نوحه خوانی هم می‌کردیم و من یک زمانی مداح بودم.

طهمورث خاطرنشان کرد: روزی که می‌خواستیم به اداره تئاتر در آب سردار بروم زمانی بود که زنده یاد عزت‌الله انتظامی، زنده یاد جعفر والی، علی نصریان هم حضور داشتند. یادم می‌آید آقای والی به من گفت همه چیزهایی که تا به امروز یاد گرفتی را کنار بگذار از امروز باید از من یاد بگیری (با خنده) و من به او گفتم چشم و وارد گروه زنده یاد داوود رشیدی بنام گروه تئاتر امروز شدم.

وی ادامه داد: در سال ۱۳۴۹ پیتر بروک به ایران آمد و من برای کار با او انتخاب شدم و در تمرین‌های ما آقایان آوانسیان و رشیدی نیز حضور داشتند. جالب است بگویم که ما تمرین‌هایمان را در همین باغ فردوس که امروز در خدمت شما هستیم، شروع کردیم. وی درباره اهمیت تئاتر، گفت: گاهی شنیده می‌شود که ما به سالن هم می‌گوییم تئاتر در حالی که سالن جایی است که تئاتر در آن اجرا می‌شود باید توجه داشته باشیم که تئاتر با نمایش فرق دارد و تئاتر روی صحنه شکل می‌گیرد. از برخورد دو فکر، ایده، خرد، دانش و دیدگاه تئاتر ایجاد می‌شود که هم سرگرم‌کننده، معانی دهنده و هم دگرگون‌کننده است اما نمایش تنها سرگرم‌کننده است. طهمورث درباره علاقمندان به بازیگری بیان کرد: کسانی که می‌خواهند وارد کار تصویری سینما و تلویزیون شوند باید تئاتر کار کرده باشند زیرا تئاتر زمینه ساز همه هنرهای نمایشی است. وقتی تئاتر کار می‌کنید حداقل باید نیم ساعت روی صحنه حضور داشته باشید و در تمام این مدت باید کار کتر را حفظ کنیم. در تئاتر بازیگر دقیقاً زندگی می‌کنند اما جلوی دوربین فیلمبرداری بدین شکل نیست زیرا چندین بار ممکن است یک سکانس تکرار شود. در تئاتر با نفس تماشاگر در ارتباط هستیم و تخیل و فکر تماشاگر را به کار می‌اندازیم اما در سینما بدین شکل نیست و لذت تئاتر بیشتر از فیلم است زیرا با توجه به شخصیتی که ایفا می‌کنید با تماشاگر در ارتباط هستید و واکنش‌های آنها را می‌بینید.

محمد عبیدی، نویسنده و کارگردان نمایش:

## تئاتر کودک و نوجوان در ایران مهجور است



است برای آموزش درست برای بچه‌ها در سراسر دنیا. در بسیاری از کشورها در حال حاضر بچه‌ها، ریاضی را نیز با تئاتر یاد می‌گیرند در فرانسه بچه‌ها از ۴ سالگی از طریق تئاتر آموزش می‌بینند. فکر می‌کنم که این فرهنگ باید از آموزش و پرورش کشور آغاز شود. متأسفانه جامعه، این مسئله را که می‌تواند به صورت هدفمند از تئاتر برای رسیدن به اهداف خود استفاده کند، درک نکرده است.

تئاتر خلقی در تولم‌دسازی بچه‌ها از سنین پایین به لحاظ کنترل سن، بیان، بدن، پیدا کردن علاقتان، شناخت توانایی‌هایشان و ... می‌تواند کمک‌کننده باشد اما در عمل می‌بینیم که تئاتر کودک و نوجوان هنوز به جایگاه واقعی خود در ایران نرسیده است و این سؤال همواره مطرح است که چرا هنرمندان نسبت به تئاتر کودک و نوجوان جبهه دارند و احساس می‌کنند که گویا این نوع تئاتر، سطح پایین‌تری دارد و اغلب هم می‌بینیم که برخی تئاتر کودک را کار می‌کنند تا بعد از آن به تئاتر بزرگسال برسند. این تئاتر بسیار مهجور است. شما ببینید ما تنها ۲ سالن حجاب و سالن هنر را برای تئاتر کودک و نوجوان داریم و حتی تلویزیون با ۵۰ کانال، حرف زیادی از تئاتر کودک و نوجوان نمی‌زند. حمایت‌های تبلیغاتی، مالی و ... نمی‌شود. در همین نمایش «پلیکیشن بابا باب» حمایت اداره کل هنرهای نمایشی در حد کمک‌هزینه بوده است و حمایت تبلیغاتی، معرفی و ... را از سوی این اداره کل نداشته‌ایم. به نظر من سیاست‌گذاری در حوزه کار کودک در حد فاجعه است. البته شرایط کرونایی هم در یکی دو سال گذشته بی‌تأثیر نبوده است، اما هنرمندانی هم که در حوزه کودک و نوجوان کار می‌کردند، دیگر رغبتی به کار کردن ندارند و ناامید شده‌اند.

باوجود کمک‌هزینه‌ای که اداره کل هنرهای نمایشی داده است، رقمی که از فروش بلیط داشتیم نسبت به هزینه‌ای که برای تولید نمایش انجام داده‌ایم، رقم بسیار خنده‌آوری است. ما در این حوزه توجه و حمایت تبلیغاتی نداریم، و حداقل در اجرای این نمایش من این حمایت را نداشته‌ام. آقای قاسم جعفری آمدند و کار را دیدند و بعد از این اجراها، قرار است که کار را به عنوان نمایش بزرگسال در سالن اصلی شهرزاد به روی صحنه ببریم. می‌خواهم بگویم که این کار حتماً ظرفیت اجراهای بیشتر را دارد. پس چرا نباید اجراها در سالن‌های دولتی اتفاق بیفتد و چرا به جای یک هفته تمدید، چهار ماه تمدید نداشته باشیم!

### دلایل مهجور ماندن تئاتر کودک و نوجوان از نظر شما چیست؟

به نظر می‌آید که حمایت از بالا وجود ندارد. ضرورت شناخت و درک تأثیر گزاری این حوزه از تئاتر باید از آموزش و پرورش و اداره کل هنرهای نمایشی و ارگان‌های دیگری که سیاست‌گذاران فرهنگی هستند، آغاز و پس از آن، حمایت انجام شود. یکی از مدیران مدارس که این نمایش را دیده بود، اذعان می‌کرد، مفهومی را که قرار است ما در ۲ سال به دانش‌آموزان بیاموزیم، شما در یک ساعت انجام داده‌اید. می‌خواهم بگویم که تئاتر جادو می‌کند و من به‌واقع به جادوی تئاتر اعتقاد دارم اما این مسئله از طرف مسئولین هنوز درک نشده است.

### وضعیت تئاتر کودک و نوجوان را در مقایسه با موسیقی، سینما و کتاب کودک و نوجوان چطور می‌بینید؟

فکر می‌کنم تئاتر بسیار عقب‌تر از آن‌ها است و وضعیت حوزه کودک و نوجوان در موسیقی، سینما و کتاب بسیار بهتر از وضعیت آن در تئاتر است. در حال حاضر، اگر کسی بخواهد در حوزه تئاتر

محمد عبیدی، نویسنده و کارگردان نمایش «پلیکیشن بابا باب» می‌گوید: هر چند که تئاتر خلقی در تولم‌دسازی بچه‌ها از سنین پایین به لحاظ کنترل حس، بیان، بدن، پیدا کردن علاقت و شناخت توانایی‌های آنها، می‌تواند کمک‌کننده باشد اما در عمل می‌بینیم که تئاتر کودک و نوجوان هنوز به جایگاه واقعی خود در ایران نرسیده است و این گونه بسیار مهجور است. محمد عبیدی متولد ۱۳۶۶ و دوره کارشناسی کارگردانی خود را در دانشگاه سوره گذرانده است. او از سال ۸۶ وارد آموزش و پرورش و حوزه تدریس شد و به گفته خودش، پنج بار مربی برگزیده کشور شده است. می‌گوید از زمان شیوع ویروس کرونا و مجازی شدن آموزش و تدریس، به عنوان مربی هنرهای دراماتیک مشغول به کار شده و در این حوزه، مباحثی بدن، زبان، حس، نمایش و ... را تدریس می‌کند به‌طور کلی در قالب کلاس‌های مجازی و آنلاین هنرهای دراماتیک تدریس می‌کند. او در حوزه تئاتر کودک و نوجوان فعالیت می‌کند و جدیدترین کارش تحت عنوان «پلیکیشن بابا باب» روزهای آخر اجرای خود را در تالار هنر پشت سر می‌گذارد. به همین بهانه با او پیرامون این حوزه از تئاتر به‌گپ نشستیم. آنچه در ادامه می‌خوانید:

### ایده نمایش «پلیکیشن بابا باب» چطور به ذهن شما رسید؟

در دورانی که مباحثی هنرهای دراماتیک را تدریس می‌کردم، با یکی از دانش‌آموزانی که بیان ضعیفی داشت، مواجه شدم و یک روز که با او صحبت می‌کردم، گفت «ای کاش شما بابا ما بودید». این جمله حرفی را در ذهن من زد و تحت تأثیر ارتباط با فضای مجازی و ارتباطم با بچه‌ها و همچنین دغدغه‌ای که خانواده‌ها دارند، متوجه شدم که فضای مجازی به سرعت زندگی بچه‌ها را اشغال کرده است اما این سرعت را در فرهنگ‌سازی ندیدم و فکر می‌کنم، هنرمندان از این پروژه فرهنگ‌سازی برای استفاده درست از فضای مجازی عقب مانده‌اند. این دغدغه باعث شد نمایش «پلیکیشن بابا باب» را بنویسم. از سال گذشته این نمایشنامه را سر کلاس‌ها با بچه‌ها اتود می‌زدیم، تمرین و در مورد آن صحبت می‌کردیم و پس از تحقیق‌های فراوان و بیش از بیست بار بازنویسی، به متن اصلی رسیدیم. ۶ ماه تمرین کردیم و با حدود ۲۹ نفر به عنوان عوامل نمایش، آن را به روی صحنه بردیم. در حال حاضر اجراهای پایانی خود را پشت‌بسر می‌گذاریم و امیدوارم بتوانیم این نمایش را در سالن‌های دیگر نیز به روی صحنه ببریم.

### «پلیکیشن بابا باب» به لحاظ ساختاری چه ویژگی‌هایی دارد؟

من به این نکته بسیار توجه کرده‌ام که بچه‌ها برای دیدن نمایش به همراه بزرگ‌ترهایشان به سالن می‌آیند. این نکته و نیز دغدغه من به عنوان کسی که در این رشته تحصیل کرده است و با تئاتر مدرن آشنا است، باعث شد، هم سلیقه مخاطب کودک و هم بزرگسال را مورد توجه قرار دهم و آن را ارتقا دهم. به عنوان مثال در طراحی صحنه این نمایش که سینمایلیاق بیگی زحمت آن را کشیده است، از طراحی صحنه مدرن و مینی مال استفاده کردیم و با نشانه‌های مدرنیته آن را کامل کردیم. در واقع سعی کردیم نمایش به لحاظ طراحی صحنه، فضا، متن، بازی و ... برای بزرگسال هم جذاب باشد. چون به عقیده من سلیقه بچه‌ها در حال حاضر بسیار ارتقا پیدا کرده است و دلیل آن، این است که آن‌ها همواره با فیلم و انیمیشن‌هایی بزرگ می‌شوند که دارند در سطح جهانی ساخته می‌شوند؛ بنابراین به‌واسطه سواد بصری که پیدا می‌کنند، سلیقه‌شان ارتقا می‌یابد. سعی کردم سلیقه بزرگسال را نیز ارتقا بدهیم و او نیز در این ارتباط درگیر شود تا هم برای بزرگسال و هم کودک و نوجوانان مفرب و آموزنده باشد. بدین معنی که مخاطب اصلی ما که کودک است این کار برایش مفرب باشد و با آن ارتباط برقرار کند و برای بزرگسالان نیز آموزنده باشد. فکر می‌کنم اگر کاری دغدغه‌مند باشد، موفق خواهد شد.

### ظرفیت های تئاتر کودک و نوجوان از نظر شما به‌عنوان نویسنده و کارگردان چیست؟

تئاتر خیلی بزرگ‌تر از یک نمایش ساده است و در حال حاضر در دنیا از تئاتر برای درمان استفاده می‌شود. فکر می‌کنم تئاتر راهی

کودک و نوجوان، کار با کیفیت به روی صحنه ببرد. فکر نمی‌کنم بتواند از آن درآمدی کسب کند بلکه تنها می‌تواند برای دل خودش در این حوزه کار کند.

### بنابراین معتقدید، نمی‌توانیم تئاتر کودک و نوجوان را در ایران با تئاتر کودک و نوجوان در دنیا مقایسه کنیم؟

بله! دقیقاً همین‌طور است. رکورد فروش تئاتر کودک فکر می‌کنم ۱۲۰ میلیون تومان است و با دیدن این رقم خودتان متوجه می‌شوید که چه فاصله‌ای وجود دارد میان تئاتر کودک و نوجوان در ایران و دنیا.

### برای رونق این حوزه از تئاتر چه پیشنهادهای دارید؟

فکر می‌کنم اداره کل هنرهای نمایشی در این مقوله می‌تواند بسیار مؤثرتر عمل کند و حداقل کار، حمایت‌های تبلیغاتی در این مقوله است. این در حالی است که گویی، تالار هنر تبعیض‌گراست مسئولان شده و حمایتی از آن نمی‌شود. نقش اداره کل هنرهای نمایشی در ارزشمند شدن و دیده شدن کار کودک و نوجوان نقشی بسیار مهم و مؤثر است. می‌تواند کمک‌هزینه‌ای که به تئاتر در این حوزه می‌کند را بالا ببرد. چرا تمدید شدن آثار نمایشی بزرگسال که برخی از آن‌ها بسیار هم درخشان هستند، اتفاق می‌افتد اما این اتفاق برای تئاتر کودک و نوجوان نمی‌افتد. اتفاق دیگری هم که در این میان همواره شاهد آن هستیم، تغییر مدیریت است؛ هر چند سال یکبار، مدیران تغییر می‌کنند و همیشه به هم می‌بازد.

### باوجود همه مشکلات فکر می‌کنید در آینده باز هم در حوزه تئاتر کودک و نوجوان کار می‌کنید؟

من عاشق تئاتر کودک و نوجوان و بالاتر از آن عاشق بچه‌ها هستم و با این کار زندگی می‌کنم. معتقدم فعالیت در این حوزه تأثیر گذاری بیشتری خواهند داشت و هدف ما نیز در زندگی همین است. این کار رسالت من است و حتی اگر ضرر هم کنم آن را ادامه خواهم داد. دستمزد من، پولی نیست که از این راه به دست می‌آورم بلکه دستمزد من، رضایت مخاطب است. وقتی آن‌ها از سالن بیرون می‌آیند و شوقی را که از دیدن نمایش برایشان به وجود آمده است در نگاهشان می‌بینم، بزرگترین اتفاق زندگی من است. البته این صحبت من، ردّ این مسئله نیست که همه ما نیاز به درآمد داریم و باید کار کنیم شاید اگر موقعیت تدریس را نداشته‌ایم به سمت این کار نمی‌آمدم اما در حال حاضر درآمدی که دارم از راه تدریس است.

### و چه بازخوردهایی از نمایش «پلیکیشن بابا باب» گرفتید؟

فکر می‌کنم چون نمایش را با توجه به سلیقه بزرگسال هم کار کردیم و بعد از پایان اجراها در تالار هنر، قرار است آن را در سالن اصلی شهرزاد به روی صحنه ببریم، بازخورد خوبی داشته است چراکه این اولین کار کودک نوجوان است که در سالن اصلی شهرزاد به روی صحنه خواهد رفت و همان‌طور که می‌دانید، سالن شهرزاد یک سالن خصوصی است. البته باز هم نمی‌توانیم با قطعیت بگوییم که بازخورد خوب بوده است، به نظر من باید مخاطب بیاید و کار را ببیند و نظر بدهد. چون سلیاق یا یکدیگر متفاوت است و فقط با دیدن است که می‌توان گفت که این تلاش در راستای صحبت‌هایی که کردم بوده است یا خیر. به هر حال من حتی گاهی اوقات تراکت نمایش را به برخی کودکان کار هم می‌دهم و به آن‌ها می‌گویم بیایند و کار را رایگان ببینند و بگویند که می‌همان من هستند؛ چراکه دوست دارم، این نمایش تأثیر گذاری بیشتری داشته باشد.

### دغدغه شما در این نمایش چه چیزی بوده است؟

همان‌طور که گفتیم دغدغه این کار، مفرب بودن و آموزش است و این آموزش در راستای آگاه‌سازی نسبت به استفاده درست از فضای مجازی و استحکام روابط خانوادگی است و مورد بعدی که باید اضافه کنم، این است که روابط خانوادگی و قدر دانی و قدر دانستن حضور پدر و مادر و خانواده در این کار بسیار برتر است و فکر می‌کنم این دو، دغدغه اصلی کار بوده است؛ این که که خانواده ارزش جنگیدن را دارد. به عنوان مثال برخی دیالوگ‌ها از زندگی شخصی من در این کار گفته شده است. مثل این جمله: «ملت خوشمزّه بابامو با دنیا عوض نمی‌کنم» این دیالوگ اشاره به این دارد که برخی اوقات آرزوهایمان کنار دستمان است و آن‌ها را نمی‌بینیم.

## اعتراض قطب‌الدین صادقی به لغو قانون معافیت مالیاتی هنرمندان لطفاً چند سوپرستار پر درآمد را کنار بگذارید!

درآمد چند چهره مشهور مدنظر بوده است، تأکید کرد: لطفاً این چند سوپرستار پر درآمد را کنار بگذارید و آنان را ملاک قرار ندهید، چراکه بدنه جامعه هنری بسیار ضعیف است و توان فشار مالی دیگری ندارد.

صادقی یادآوری کرد که بر اساس آمارهای رسمی حتی پیش از دوران کرونا، عده زیادی از دانش‌آموختگان تئاتر برای کسب درآمد و گذران زندگی به مشاغل دیگری کار هنری روی آورده‌اند و تنها حدود یک‌پنجم آنان در کار هنری باقی مانده‌اند که همین مطلب گویای شرایط بحرانی اقتصاد تئاتر است و در این وضعیت، چرا فعالان تئاتر باید مالیات بپردازند.

او خاطرنشان کرد: جامعه تئاتری نه تنها باید معاف از مالیات باشد، بلکه باید مورد حمایت دولت قرار بگیرد. همین آمار که از آن صحبت کردم، مدلی کوچکی است که نشان می‌دهد اقتصاد تئاتر چقدر شکننده است. دیگر وارد جزئیات دوران بعد از کرونا و تعطیلی و رکود حوزه تئاتر نمی‌شوم که خود داستانی است مفصل.

قطب‌الدین صادقی در پایان بار دیگر تأکید کرد: به شدت به لغو قانون معافیت مالیاتی هنرمندان معترضم و معتقدم دولت باید به بدنه جامعه تئاتری کمک کند تا از این دوران تلخ و سخت بگذرد. امیدوارم کسانی که بدون این کار کارشناسی چنین تصمیم‌هایی می‌گیرند، از سفره بی‌رونق هنرمندان تئاتر دست بردارند.



پر درآمد گرفته شود که متأسفانه آنان اغلب فرار مالیاتی دارند و با دور زدن قانون و با پول ملت، بر ثروت خود می‌افزایند. در عوض، دولت هم سراغ اقشار ضعیف و خرده‌پا می‌رود.

این کارگردان با سابقه تئاتر با یادآوری شرایط نفس‌گیر هنرمندان در دو سال سخت کرونایی ادامه داد: بعد از دو سال است تازه داریم قدم‌های آهسته‌ای برمی‌داریم. هنوز نتوانسته‌ایم به نظم معمول پیش از کرونا بازگردیم. این همه فشار، روح و روان هنرمند را تلخ می‌کند؛ همین تلخی و آشفتگی در کارش تبلور پیدا می‌کند و بعد آن را به جان مردم هم می‌ریزد.

او با بیان اینکه در لغو قانون معافیت مالیاتی هنرمندان،

قطب‌الدین صادقی با انتقاد فراوان از لغو قانونی معافیت مالیاتی هنرمندان، خطاب به کسانی که چنین تصمیمی گرفته‌اند، گفت: دست از سفره‌های بی‌رونق اهالی هنر بردارید.

این هنرمند تئاتر اعتراض شدید خود را از لغو قانون معافیت مالیاتی هنرمندان مطرح و تأکید کرد دولت باید به هنرمندان کمک کند تا از این دوره سخت بگذرند، نه اینکه با گرفتن مالیات، مشکل دیگری بر مشکلات پیشین آنان بیفزاید.

صادقی که به‌عنوان نویسنده، کارگردان، پژوهشگر و استاد دانشگاه فعال است و چند سالی است مجموعه‌ای خصوصی به نام «شانو» را هم راه‌اندازی کرده، از وضعیت بحرانی هنرمندان تئاتر گفت و یادآوری کرد که این بحران پیش از کرونا آغاز شده و در دو سال کرونایی اخیر به اوج خود رسیده است، به طوری که بسیاری از اهالی تئاتر ناچار شده‌اند برای گذران زندگی خود به مشاغل دور از فعالیت‌های هنری روی آورند.

او با یادآوری معضل کلی کمبود بودجه در کشور ادامه داد: دولت دچار مشکلات اقتصادی است و برای جبران کسری بودجه می‌خواهد از مردم کمک بگیرد، ولی وقتی بدنه جامعه هنری خودش به شدت آسیب‌پذیر و نیازمند حمایت است، چگونه می‌تواند مالیات بپردازد.

او تأکید کرد: این مالیات باید از کارخانجات بزرگ و اقشار

سیاوش طهمورت:

## برای بازی در «زیر تیغ» ناسزا شنیدم



بیان اینکه زندیاد «علی حاتمی» کارگردان بسیار خوب و موفق بود، افزود: حاتمی در کارنامه کاری خود «هزار دستان» و «مادر» را دارد که شاهکار بودند. روزی که «هزار دستان» را می ساخت در جایی من را دید و گفت همه بازیگران در فیلم من هستند؛ تو چرا حضور نسداری و من به او گفتم اگر قسمت باشد در خدمت هستم که متأسفانه این اتفاق نیفتاد. طهمورت بیان کرد: خیلی دوست دارم بازیگری که در مقابل من قرار می گیرد بازیگر بسیار توانایی باشد، زیرا توانا بودن او مرا هم توانا می کند و موجب می شود کار بسیار

در ارتباط هستیم و تخیل و فکر تماشاگر را به کار می اندازیم اما در سینما چنین نیست و لذت تئاتر بیشتر از فیلم است، زیرا با توجه به شخصیتی که ایفا می کنید با تماشاگر در ارتباط هستید و واکنش های آنها را می بینید. وی با اشاره به همکاری خود با داوود میرباقری گفت: پادم می آید فردی آمد و گفت در کار آقای میرباقری بازی می کنی؟ من هم پذیرفتم و ۲ نقش ساواکی و گورکن را بازی کردم که ۲ بازی متفاوت بود، بعد از آن در سریال «آینه» بازی کردم و در «گرگها» بازیگر و مشاور کارگردان بودم. طهمورت با

سیاوش طهمورت در گفت و گو با موزه سینما بیان کرد برای بازی در «زیر تیغ» بارها ناسزا شنیدم.

به گزارش «وطن امروز»، سیاوش طهمورت در گفت و گویی درباره اهمیت تئاتر گفت: گاهی شنیده می شود ما به نمایش هم تئاتر می گوئیم، باید توجه داشته باشیم تئاتر با نمایش فرق دارد و تئاتر روی صحنه شکل می گیرد. از برخورد ۲ فکر، ایده، خرد، دانش و دیدگاه تئاتر ایجاد می شود که هم سرگرم کننده، معانی دهنده و هم دگرگون کننده است اما نمایش تنها سرگرم کننده است.

طهمورت درباره علاقه مندان به بازیگری بیان کرد: کسانی که می خواهند وارد کار تصویری سینما و تلویزیون شوند باید تئاتر کار کرده باشند، زیرا تئاتر زمینه ساز همه هنرهای نمایشی است. وقتی تئاتر کار می کنید حداقل باید نیم ساعت روی صحنه حضور داشته باشید و در تمام این مدت باید کاراکتر را حفظ کنید. در تئاتر بازیگر دقیقاً زندگی می کند اما جلوی دوربین فیلمبرداری بدین شکل نیست، زیرا چندین بار ممکن است یک سکانس تکرار شود. در تئاتر با نفس تماشاگر

خوبی عرضه کنیم.

وی با اشاره به سریال «زیر تیغ» گفت: نقشم در این سریال را باور داشتم، البته به خاطر سرسختی های نقش شاهد ناسزاهایی هم بودم اما با این حال مردم من را دوست داشتند و در کوچه و خیابان بسیار به من احترام می گذاشتند. با تمام این تفاسیر باور کرده بودم که باید با این نقش زندگی کنم و به این دلیل برایم لذت بخش بود شخصیتی شکل گرفته که

در آدم های اطرافت و در جامعه نیز می بینی. طهمورت با بیان اینکه عرصه هنر مشکل ترین حرفه است، تأکید کرد: ورود به آن آسان است اما برای دوام آوردن، بازیگر و هنرمند شدن باید خیلی خاک خورد و زحمت کشید. گفتنی است موزه سینمای ایران به عنوان مجموعه ای فرهنگی و تاریخی که روایتگر سیر تاریخ و تحولات سینمای ایران است، خود را موظف می داند بسویق و تجربیات پیشکسوتان سینمای ایران را جمع آوری کرده تا نسل های آینده با نگاه و مسیر زندگی و نحوه خلق و شکل گیری آثار هنرمندان و صاحب نظران هنر سینما آشنا شوند.